

بمناسبت مسافرت نمرود به ایران

جواہر لعل نمرود

در ایران

شہر بود ماہ ۱۳۳۸

(سپتامبر ۱۹۵۹)

گرد آوری و ترجمہ و تنظیم

محمود تقضی

[illegible]

نشریه اداره اطلاعات سفارت کبرای هند - تهران

چاپ راستی - ۱۳۳۸

بمناسبت مسافرت نمرود به ایران



یادگاری از ملاقات نهرو با اعلیحضرت شاهنشاه ایران در تهران

«مسافرت آقای نهرو خیلی مغتنم بود. مابطور کلی راجع بتمام مسائل جهانی صحبت کردیم. ما هر دو در این عقیده کاملاً مشترک بودیم که باید با سرعت سطح زندگی ملل خویش را بالا ببریم و در این عصر صنعتی با عزم جزم و کوشش فوق العاده‌ئی سعی کنیم عقب ماندگی فعلی خود را جبران نماییم.»

«در تبادل نظر خود، ما غیر از تحکیم روابط دیرینه تاریخی که بین دو مملکت و ملت ما موجود است نظری نداشتیم و خوشبختانه این موضوع از لحاظ هر دو کشور ما آسانست زیرا ایران و هند دارای وجه تشابه زیاد هستند در این راه ما مسلمان سعی خواهیم کرد که قدمهای بلندی برداریم و رشته دوستی موجود را هر چه بیشتر محکم کنیم.»

از مصاحبه مطبوعاتی اعلیحضرت
شاهنشاه ایران در ۳۰ مهر ۱۳۳۸

جواہر لعل نورو

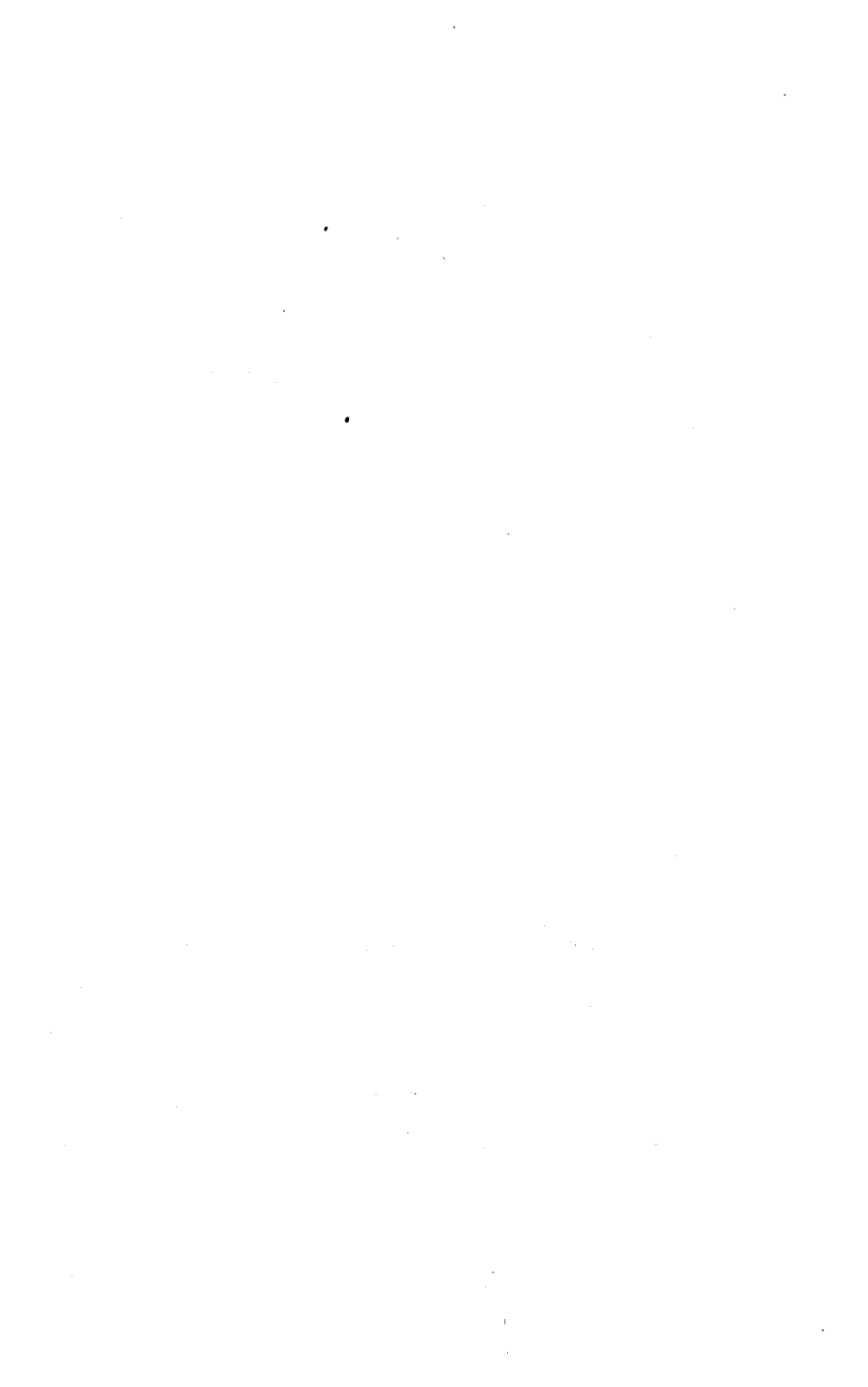
درايران

شهر يود ماہ ۱۳۳۸

(سپتامبر ۱۹۵۹)

سرد آوری و ترجمہ و تنظيم

محمود تقصی



پیشگفتار

مسافرت رسمی نخست وزیر نهر و بایران در ماه سپتامبر امسال (شهریور ۱۳۳۸) بگفته خود آقای نهر و یکی از آرزوهای دیرین او را برآورد. آقای نهر و در ضیافت نخست وزیر ایران گفت نمیداند چند سال پیش بود که میخواست بایران بیاید اما تقدیر با این میل او موافق نمی افتاد.

نخست وزیر نهر و در یکی از سخنرانیهای خود در تهران گفت: «من به ایران نیامدم تا هیچ مسئله خاصی رامیان ایران و هند مورد بحث قرار دهم. من از آنجهت باینجا نیامدم که تصادمات و اختلافاتی بین دو کشور ما وجود دارد. همچنین من برای آن نیامدم که ببحث در باره مسائل خاصی بپردازم و چیزی را تغییر دهم. این مسائل گاه بگاه بوسیله نمایندگان حکومت های ما و بموقع خود مورد بحث قرار میگیرد. پس من برای چه بایران آمدم؟

در تجزیه و تحلیل نهائی در واقع من از آن جهت به اینجا آمدم که میل داشته ام روابط ایران و هند و دوستی میان این دو کشور تشویق و تقویت شود. من امیدوارم و اعتقاد دارم که به هدف واقعی سفر من که بآن اشاره کردم تا اندازه یی خدمت شده باشد زیرا از یکسو مسافرت من چنین

فرستی پیش آورد واز سوی دیگر مخصوصاً مهربانی و میهمان نوازی و دوستی که مردم ایران نسبت بمایام آوران دوستی و حسن نیت نشان دادند ، چنین نتایجی بیار می آورد.»

سفارت کبرای هند پیش از ورود نخست وزیر نهر و مجموعه منتخبی از نوشته ها و سخنرانیهای او را تحت نام « روابط ایران و هند و چند اثر دیگر از جواهر لعل نهر و » انتشار داد اکنون انتشار این مجموعه محتوی سخنرانیهای نهر و هنگام مسافرت بایران قدم دیگر است که در این راه برداشته میشود .

تردید نیست که ارتباط و همکاری ثمر بخش و دوستانه ایران و هند در گذشته و تلاشهای ما برای استوار ساختن ارتباط و همکاری در زمان حال نتایج افتخار آمیز و ثمر بخش تری در آینده بوجود خواهد آورد . شاید برای پایان دادن باین مقدمه کوتاه جملاتی بهتر از آنچه نخست وزیر نهر و در تهران بیان داشت وجود نداشته باشد که گفت : «هیچ دو کشوری را نمیتوان یافت که در طول قرون اصل وریشهائی نزدیکتر و ارتباطی پیوسته تر از مردم هند و مردم ایران داشته باشند» و «ما امیدواریم که در آینده نیز روابط ما باندازه گذشته و حتی بیش از آن خوشایند و ثمر بخش باشد .»

در پایان باید از آقای محمود تقضلی سپاسگزاری کرد که با علاقمندی و دقت فراوان بجمع آوری و ترجمه این سخنرانیها پرداخته اند .

سخنرانیهای جواهر لعل نهرو در ایران

به دعوت رسمی دولت ایران جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند پیش از مسافرت بافغانستان به ایران سفر کرد و ساعت سه بعد از ظهر روز ۲۶ شهریور ماه ۱۳۳۸ (۱۸ سپتامبر ۱۹۵۹) با هواپیما وارد تهران شد و بامداد روز ۳۰ شهریور (۲۲ سپتامبر) ایران را ترک گفت. در این سفر دختر نهرو بانو ایندیرا گاندی که مقام ریاست حزب کنگره ملی هند را عهده دار بود و معاون کل وزارت امور خارجه هند و چند نفر دیگر همراه آقای نهرو بودند.

آقای نهرو مدت چهار روز در ایران اقامت داشت. کاخ صاحبقرانیه در نیاوران شمیران برای محل اقامت ایشان و دخترشان تعیین شده بود.

آقای نهرو دوبار بطور خصوصی با اعلیحضرت شاهنشاه ایران ملاقات و مذاکره کرد. علاوه بر مقامات رسمی دولت ایران مذاکراتی انجام داد و از بعضی تأسیسات اقتصادی و اجتماعی ایران دیدن کرد و سفری هم بشیراز انجام داد و از آثار باستانی تخت جمشید بازدید بعمل آورد.

در همین مدت کوتاه آقای نهرو در طی مراسم مختلف چند

سخنرانی ایراد کرد و ضمن دو مصاحبه یکی در تلویزیون ایران و دیگری با روزنامه نویسان مطالبی بیان داشت که در ایران انعکاس عمیقی یافت. اکنون ترجمه کامل این سخنرانیها و این مصاحبههاست که در این مجموعه در اختیار دوستان ایرانی آقای نهر و قرار میگیرد.

لازمست تذکر داده شود که هیچ یکه از سخنرانیها و گفتارهای آقای نهر در ایران قبلا تهیه و نوشته نشده بود و همه مرتجلا ایراد گردید. بیشتر آنها بوسیله دستگاہهای ضبط صوت جمع آوری شد و بعد بوسیله تند نویسان و منشیان سفارت کبرای هند بروی کاغذ آمد. متن هائی از این سخنرانیها و گفتارها در همان روزها در روزنامهها و مطبوعات ایران انتشار یافت و ممکن است محتملا با آنچه در این مجموعه گرد آمده است تفاوت هائی داشته باشد. این تفاوت از آن جهت است که در آن موقع مقدور نبود متن کامل و دقیق این گفتارها را که مرتجلا ایراد میشد و در دو مورد بزبان هندی بود فوری در اختیار مطبوعات قرارداد و باین جهت فقط خلاصه ئی از آنها در روزنامه ها منتشر میشد.

همچنین باید تذکر داده شود که آنچه در این مجموعه گرد آمده بترتیب زمانی تنظیم گشته است.

در پایان باید مسرت و افتخار فراوان خود را بیان دارم که توفیق گرد آوری و ترجمه این آثار گران بها و تاریخی آقای نهر و نیز نصیب من بوده است.

محمود تفضلی

۱

برای هندیان مقیم تهران

در ساعت شش و نیم بعد از ظهر روز ۲۶
شهریور ۱۳۳۸ جواهر لعل نهرو و همراهانش در
مجلسی که از طرف هندیان مقیم تهران برای ملاقات
با ایشان در تالار انجمن ایران و هند ترتیب داده
شده بود حضور یافتند.

در این مجلس ضمن استقبال بسیار گرمی
که برسم هند از ایشان بعمل آمد آقای سردار مکان
سینگ خطابه‌ئی بزبان هندی مبنی بر خیر مقدم
به آقای نهرو قرائت کرد و ضمن آن علاوه بر
گزارشی از وضع هندیان مقیم ایران گفت که
ایشان مبلغ ۱،۱۸۴،۹۱۰ ریال در میان خود جمع
آوری کرده‌اند که آنرا بعنوان خیر مقدم و
تهنیت در اختیار آقای نهرو میگذارند.

پس از این خطابه بود که آقای نهرو بسخن
پرداخت و نخستین سخنرانی خود را در ایران
خطاب به هندیان مقیم تهران و بزبان هندی ایراد
کرد که خلاصه آن بدین قرار بود:

« نخستین بار است که بایران می آیم و مسافرت باین کشوریکی
از آرزوهای دیرین من بود. »

« هر چند که بکشورهای دوردست سفر کرده ام و مخصوصاً پس از
استقلال هند بنواحی مختلف جهان رفته ام متأسفانه نتوانسته بودم
بایران بیایم. اکنون که بایران آمده ام ازین مسافرت بسیار خوشوقتم.
ما میخواهیم با تمام کشور های جهان و مخصوصاً با آنانکه
همسایه ما هستند دوست باشیم و باینجهت است که مخصوصاً از مسافرت
بایران مسرورم. »

نهر و با اشاره بسخنان سردار مکان سینگ گفت :
« نام بعضی از وطن پرستان هند که پیش از جنگ جهانی اول
بایران آمدند در اینجا بمیان آمد . بعضی از وطن پرستان مشهور شده اند
و بعضی دیگر ناشناس مانده اند . وطن ما فقط بخاطر فعالیت کسانی
که مشهور و سرشناس هستند مستقل نشد بلکه این پیروزی بخاطر
فعالیت هزاران هزار نفر مردمی بود که نام آنها ناشناس مانده است . »

سپس نهر و با اظهار سپاسگزاری از جامعه هندیان مقیم تهران
که مبلغی بیش از يك میلیون ریال بصندوق اعانه بخشیت وزیر
پرداخته اند به خسارات سیل ها و طغیان های اخیر هند اشاره کرد و
متذکر شد که متأسفانه پس از حرکت او از هند سیل ها و طغیانهای
تازه بی درنواحی «سورات» و «آندراپرادش» روی داده است و گفت

که هدیهٔ هندیان تهران را برای کمک بآسیب دیدگان این حوادث اختصاص خواهد داد .

نهرودر دنبال سخنان خود گفت که ارزش اشخاص بهنگام مقابله با مشکلات نمایان میگردد و نه در دوران زندگی آسوده و مرفه .

نهرودر روشن ساخت که گاندی جی رهبران هند و مردم هند رادر چه راهی پرورش داده است و گفت هم تعلیمات او وهم موقعیت خاص بما کمک داد تا بتوانیم تغییرات اساسی درهند بوجودآوریم .

نخست وزیر گفت باید در نظر داشته باشیم که هند کشور مردم فقیر است . هند را نباید با مقیاس شهرهائی مانند بمبئی و کلکته و دهلی قضاوت کرد و سنجید بلکه هند در واقع هند دهکده هاست و ما باید همواره فقر هند را در نظر داشته باشیم . در این صورت طرز تفکر ما بکلی تغییر خواهد یافت .

نهرودر گفت بالا رفتن سطح زندگی دهکده ها فقط با کار جدی مقدور است و این امر هر چند در ابتدا ثمری نخواهد داد اما اصولا کشور را غنی خواهد ساخت .

سپس نهرودر به پیشرفتهای کشورهای دیگر پرداخت و گفت : « هر کشور پس از یک دوران کار سخت و جدی بدورانی رسیده است که میتوان آنرا آغاز دوران ارتقا نامید و در آنوقت ثمرهٔ کار و کوشش آنها نمایان میشود .

«انگلستان با وجود آنکه از ثروت و منابع هند استفاده میکرد



نهر و درمیان هندیان مقیم تهران

پس از مدتی بیش از صد سال باین مرحله ارتقا رسید. در کشورهای دیگر هم وضع چنین بوده است. اما ما باید این امر را در مدت ۱۰ تا ۲۰ سال انجام دهیم.»

« اکنون در هند ماهیکوشیم که انقلابی را بانجام برسانیم. این انقلاب در آغاز خود بمعنی کار بسیار جدی ودشوار خواهد بود. ما در مقابل مسائل روزافزون قرار میگیریم وحل کردن مسائل روزافزون نشان پیشرفت وتکامل وموفقیتهای روزافزون میباشد.»

نهر و گفت تهیه آهن وفولاد و تهیه نیروی برق دوعامل عمده برای شروع پیشرفت در هر کشور میباشد واین هر دو چیز در ابتدای

کارهزینه‌ئی هنگفت لازم دارد اما بمرور زمان ستون فقرات کشور را تشکیل میدهد.

«ما چهار مرکز ذوب آهن در کشور خود ساخته ایم و هر کدام از آنها بیش از ۱۵۰۰ میلیون روپیه خرج داشته است. این تأسیسات بزرگ تا کنون فقط موجب خرج بوده اند و سالها طول میکشد تا سودی از آنها عاید شود.»

«تکمیل طرح سد سازی و آبیاری «بها کرا» بتنهائی مبلغ ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ میلیون روپیه خرج داشته است. طرحهای دیگری نیز که درهند برای صنعتی شدن کشور و توسعه کشاورزی در دست اجراست مخارج سنگینی دارد. برای تمام این کارها لازمست که درابتدای پولی وجود داشته باشد و فراهم شود تا وقتی که به بهره برداری برسد. اما این سرمایه گذاری ها عاقبت ثمرات خود را برای کشور بیار می آورد.»

در این موقع نهر و بیلا رفتن زندگی روستاها پرداخت و گفت «میزان حاصلدهی زمین درهند از همه جای دنیا کمتر است. مسلماً ما میخواهیم کشور خود را صنعتی سازیم اما برای این منظور باید در مقابل ماشینهای عظیمی که از خارج وارد میکنیم چیزی صادر کنیم و بدهیم. اگر حتی محصولات کشاورزی نداشته باشیم چه چیزی در مقابل ماشینهای سنگین خواهیم داد؟»

«نهر و گفت برای بالا بردن زندگی و پیشرفت کشور باید ذکا و تمندانه کار کرد. باید دانست که انسانست که ماشینها را میسازد و بکار میبرد

و نه ماشینها انسان را . وقتی که انسان با مسئله خوار بار و کمبود غذا مواجه باشد با ماشین چه خواهد کرد و از آن چه استفاده خواهد برد ؟ بنابراین باید اول مسئله خوار بار و خوراك را حل کرد .

«جمعیت کشور ما سرعت افزایش می یابد . هر چند که محصول کشاورزی ما امسال خیلی بیش از سال گذشته است اما تصور میکنم که بعلت از دیاد جمعیت باز هم کفاف تمام احتیاجات ما را نخواهد داد . ازینرو باید در فکر آن بود که این مسائل را حل کرد . بهمین جهت است که ما کمیسیون برنامه داریم که طرحهای لازم را مطالعه و تهیه کند .

«روسیه نیز با همین مسائل که ما روبرو هستیم مواجه بود . روسیه روش حکومتی دارد که با ما متفاوت است اما طرز حکومت نیست که بحساب می آید بلکه اصولا کار جدیست که مشکلات را حل میکند . «
نهر و دریایان نطق خود خطاب بهندیان مقیم ایران یادآوری کرد که باید در نظر داشته باشند هریک از ایشان در واقع از جهتی سفیر هند میباشد و طرز عملش ملاك قضاوت درباره هند خواهد بود . سپس نهر و متذکر شده که «بزرگترین مایه ضعف ملت هند در سابق عدم وحدت مردم بوده است . ما از تفرقه و جدائی طبقات و مذاهب مختلف رنج فراوان دیده ایم . بدیهیست هر کس در فکر اطاق و مسکن خود میباشد اما باید در نظر گرفت که اگر ساختمانی فرو ریزد تمام اطاقها و تمام قسمتهای آن آسیب خواهد دید .

نهر و بهندیان یادآوری کرد که باید با مردم کشوری که در آن زندگی میکنند با سازگاری و احترام و هماهنگی رفتار کنند .

نباید تصور کرد که او باینجا آمده است تا بجمع آوری پول پردازد بلکه هدفش اینست که بدوستی و تفاهم میان دو کشور کمک دهد .
 نهرو گفت « برای ایجاد تفاهم و دوستی ، آموختن زبانهای محلی کشورهای دیگر خیلی لازمست . هندیها باید زبان فارسی را خوب بیاموزند مخصوصاً که این زبان با زبان هندی قرابت و خویشاوندی بسیار دارد اما این امر بمعنی آن نیست که زبان و فرهنگ خود را فراموش کنیم » .



نهرو و دخترش برای بازدید از آموزشگاه هندیان در تهران میروند

۲

در ضیافت کاخ گلستان

از ساعت ۸ بعد از ظهر روز ۲۶ شهریور در
طرف آقای دکتر منوچهر اقبال نخست وزیر
ایران ضیافت رسمی شام بافتخار آقای جواهر
لعل نهرو نخست وزیر هند در کاخ گلستان برپا
گردید.

در سر میز شام ابتدا آقای دکتر اقبال
خطابه‌ئی بزبان فرانسوی قرائت کردند و بعد
آقای نهرو طی نطقی بزبان انگلیسی بایشان پاسخ
گفتند و اینک ترجمه این هر دو نطق:

خطابه نخست وزیر ایران

آقای نخست وزیر !

برای من افتخار بزرگی است که بنام دولت شاهنشاهی و ملت ایران ورود شما را بایران از صمیم قلب تبریک بگویم .
من شخصاً از اینکه امشب افتخار پذیرائی از جنابعالی را در سر این میز دارم ، در حالیکه همه اعضای کابینه ایران و نمایندگان سیاسی کشور های دوست و شخصیت های عالیمقام ایرانی نیز حضور دارند، بینهایت خرسندم.

دوستان دو کشور ایران و هند که نمایندگان آنها امشب اینجا گرد آمده و معرف میلیون ها نفر مردم ممالکی هستند که دارای مناسبات دوستانه با هند و ایران میباشند بدون شك خاطره خوش امشب را فراموش نخواهند کرد زیرا آنها نیز نمایندگان میلیون ها مردم کشورهای هستند که هند و ایران روابط دوستانه با آنها دارند .
با توجه بعظمت سوابق تاریخی دو کشور در طول تاریخ پیوندهای دو ملت ایران و هند همچنان استوار باقی مانده است .

دو ملت همسایه ایران و هند که هر دو برادران نژادی یکدیگرند در حالیکه از اصول اخلاقی واحدی پیروی میکنند از لحاظ صلح و عدالت نیز دارای افکار و آمال مشترکی هستند و اعتقاد آنها به اصالت

انسانی و تعالی خصوصیات معنوی بشریت یکی است و قبول این اعتقاد بوسیله هر دو ملت موجب تفاهم متقابل دو ملت ایران و هند میگردد . از قدیم ترین ایام کتابهاییکه حاوی قصص و افسانه های هند و بیان کننده نصایح بزرگان و مروج افکار و تعالیم آنها بوده بزبان فارسی ترجمه شده و تأثیر فکر و ادبیات و هنر ایرانی که در قرون وسطی گنجینه گرانبھائی را تشکیل میداده هنوز در پاره یی از مناطق هندوستان مشهود و محسوس است .

ما در عصر خود کاملاً شاهد مبارزه توأم با فداکاری ملت شما در راه کسب استقلال بوده ایم که رهبری آنرا پیشوای خردمندی چون مهاتما گاندی بر عهده داشته و روشن بینی و الهامات انسانی وی این مبارزه را بسر منزل توفیق سوق داده است .

زندگی گذشته شخص جناب عالی و مبارزات شدیدی که در راه تحصیل استقلال هند کرده اید برای همه عیان است و همگی از آن کاملاً آگاهی دارند .

ما میدانیم که شما تاجه پایه بحفظ صلح دلبستگی دارید و مساعی خستگی نا پذیر شما که علیرغم مشکلات بزرگ امروز برای تأمین صلح و تعالی و پیشرفت ملت هند انجام میگیرد برای ما از دیر باز شناخته شده و مسلم است .

بنا بر این ما تنها شما را بعنوان وارث معنوی گاندی یعنی مرد بزرگ و مشهوریکه شالوده هندوستان نوین را ریخته مورد تجلیل قرار نمیدهیم بلکه در عین حال احساسات ما نسبت بجناب عالی حاکی

از احترامی است که نسبت برهبروزمامدار امروز ملت هند و کسیکه سرنوشت يك ملت بزرگ را در دست دارد ابراز میداریم .

تردیدی نیست که تماسهای شخصی و شناسائی مستقیم رجال دولتی بدرك و تفاهم متقابل و حل مسائل و مشکلات بنحوشایسته یی كمك میکند .

هرچند که خوشبختانه بین ایران و هندوستان اختلافاتی وجود ندارد و بسیار خرسندیم که میتوانیم با اطمینان این مطلب را بیان کنیم معذلك من كاملا مطمئنم که خاطره و تأثیر سفر شما بكشور ما بهمان اندازه که سفر اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی به هندوستان خاطره خوشی بجای گذاشت هیچگاه فراموش شدنی نخواهد بود و ثمره آن بتوسعه بیشتر دوستی و تفاهم دو ملت و دو دولت هندوستان و ایران كمكهای شایسته خواهد نمود .

ملت ایران تحت رهبری خردمندان و مستقیم اعلیحضرت همایون شاهنشاه عالیقدر ایران از همان سنت و روش دیرینه خود که حفظ استقلال ، آزادی ، عدالت ، ترقی و احترام بحقوق و شخصیت ملی است پیروی نموده و از همین طریق براه خود ادامه میدهد .

ما با اصول عالیهدیی که در منشور ملل متحد درج شده اعتقاد داریم و یکی از اعضای وفادار سازمان ملل متحد بوده و جز صلح و شرافت نمیخواهیم .

ما از حضرت باری تعالی مسئلت میکنیم ملت بزرگی که سرنوشت آن بدست جنابعالی سپرده شده باز هم تحت رهبری شما گامهای

بزرگی درشاهراه ترقی و کامیابی بردارد و اطلاعات عمیق و نفوذی که
جنابعالی درسیاست دنیای امروز دارید بحفظ صلح کمک شایسته می
بنماید .



نهر و دکتر اقبال در ضیافت کاخ گلستان

باسخ نهرو

جناب آقای نخسب وزیر! بانوان و آقایان محترم!
از بیانات ملاطفت آمیز و از استقبال و میهمان نوازی گرم جنابعالی
بسیار سپاسگزارم.

نمیدانم چند سال پیش بود که آرزو کردم بایران بیایم اما در
آن زمان تقدیر با آرزوی من موافق نیامد و اکنون که به اینجا
آمدم احساس میکنم مثل کسی هستم که یکی از آرزوهای دیرینش را
تحقق یافته باز می یابد.

جنابعالی بر روابط تاریخی ایران و هند اشاره فرمودید. شك
دارم که در این جهان پهناورد و کشور دیگر باشند که تماسهای تاریخی
نزدیک و ممتدی مانند ایران و هند داشته باشند. این روابط بدورترین
زمانهای قدیم میرسد.

اغلب، زبانها مظاهری از تماسهای مردم میباشد و همه خوب
میدانند که شکل باستانی زبان ایران که «پهلوی» نامیده میشود با
شکل باستانی زبان «سانسکریت» که زبان کلاسیک و قدیمی ماست تقریباً
یکسان است. در واقع تفاوت میان زبان سانسکریت کلاسیک ما
بازبان سانسکریت باستانی و قدیمی خیلی بیش از تفاوت میان زبان
سانسکریت قدیمی با زبان پهلوی میباشد.

خود این امر نشان آنست که این هردو زبان ریشه‌ئی واحد دارند و هر دو ملت نیز اصل و ریشه‌ی واحد دارند و قدیمی‌تر از این ارتباط و پیوستگی امکان‌پذیر نیست.

این ارتباط با وجود آشفتگی‌ها، مشکلات، جنگ‌ها و هجوم‌های دورانه‌ی بعدهم محفوظ ماند. در طی چندین قرن علاوه بر تماس‌های دیگر میان ایران و هند، زبان فارسی در هند زبان درباری بود. بدین‌قرار حقیقت مسلمی است که گفته شود هیچ دو کشور دیگر در جهان نیستند که ریشه‌ئی نزدیک‌تر و تماس‌های بیشتر از مردم هند و مردم ایران داشته باشند.

راست است که در طی سال‌های بعدتقدیر ما را از شما و از بسیاری کشورهای دیگر آسیا جدا ساخت. موقعی که کشور ما تحت حکومت خارجی قرار گرفت و تسلط خارجی بشکلهای مختلف در کشورهای دیگر آسیا، یادریشتر کشورهای آسیائی، نفوذ پیدا کرد تماس‌های قدیمی که میان ما وجود داشت گسسته شد یا مورد سوء استفاده قرار گرفت. شگفت‌انگیز است که تماس‌های ما از آن پس، اگر بتوان گفت، بیشتر بوسیله اروپا بود تا مستقیم. اما از وقتی که ما در هند استقلال خود را بدست آوردیم و بسیاری از کشورهای آسیا نیز آزاد شدند تقریباً نخستین کوشش ما آن بود که تماس‌های قدیمی را از نو برقرار سازیم و رشته‌های کهن را دوباره پیوند دهیم.

بدین‌قرار در هند ما بسوی ایران مینگریم همچنانکه بسایر کشورهای همسایه دیگر نیز مینگریم. و بهمین جهت من از بودن در اینجا

وازمسافرت خود بایران بسیار خوشوقتم .

بسیار خوبست که این تماسهای قدیمی را بخاطر آوریم و دورنمای روابط تاریخی خود را در نظر داشته باشیم زیرا شاید این خاطرات تصویر روشن تری برای ما بوجود آورد که بیش از احساسات آنی و عکس العمل حوادث کنونی مؤثر باشد .

بهر حال حقیقت اینست که سنن باستانی تمدنهای کهن، چون تمدن هند و تمدن ایران، ناچار بوده اند و ناچار هستند بامسائل بسیار مهم امروزی روبرو شوند که حتی اغلب در روزنامه ها و سخنرانی ها هم به آنها اشاره نمیشود .

روزنامه هامعمولا به بحث درباره بحرانهای جاری روز میپردازند که بدون تردید ممکن است اهمیت آنی داشته باشند . اما بنظر من بحران اصلی زمان ما برای کشوری که نظریاتش موافق سنن و تمدن باستانی میباشد و تحت تأثیر گذشته های ممتد قرار دارد عکس العمل- هائیتست که در مقابل زمان حال نشان میدهد . باید دید که کشور های اروپائی در برابر وضع حال، حالی که تا اندازه زیاد بر اساس علوم و فنی متکیست که دنیائی بکلی متفاوت با گذشته بوجود آورده اند، چه عکس العملهایی داشته اند ؟ مسئله اصلی و واقعی امروز همین است .

کشورهای دیگر اروپائی دوران انقلابی خود را گذرانده اند. البته منظورم انقلاب صنعتی است که ازهر انقلاب سیاسی بزرگتر میباشد. بعضی از کشور های اروپائی بخاطر گذراندن انقلاب صنعتی خود

زندگی عالی توأم با ثروت و تولید فراوان برای خود ساخته‌اند که در آن آنچه دربارهٔ زندگی مرفه بنظر می‌آید فراهم شده است. این کشورها راههای مختلفی برای خود دارند. اما قدر مشترك همهٔ آنها عامل مشتركیست که همهٔ ایشان پذیرفته‌اند و آن عامل انقلاب صنعتی میباشد.

اکنون بطور کلی میتوان گفت کشورهایی که هنوز انقلاب صنعتی خود را انجام نداده‌اند کشور های تکامل نیافته هستند که با فقر دست بگریبان میباشند. امروز در این دنیا هیچکس نمیخواهد فقیر باشد (هرچند در سابق بعضی اشخاص چنین میخواستند) زیرا امروز مردم حس میکنند که لازم نیست فقیر باشند (شاید در سابق فقیر بودن گروهی از مردم اجتناب ناپذیر بود). امروز علوم و فنون لوازم و وسایلی برای تولید ثروت و تأمین رفاه تمام مردم فراهم ساخته است.

بدینقرار اکنون مسئله‌یی که در برابر تمام کشورهای نظیر ما قرار دارد اینست که میخواهیم انقلاب صنعتی را در کشورهامان تحقق بخشیم یعنی کاری را که یکصد سال پیش یا قبل از آن در اروپا صورت گرفته است انجام دهیم.

اکنون در اروپا و آمریکا انقلاب دیگر و بزرگتری فرامیرسد و آن انقلاب نیروی اتمی است. من فعلا در بارهٔ جهات جنگی این نیرو سخن نمیگویم و فقط از نیروی عظیمی سخن میگویم که در اختیار جامعهٔ بشری قرار گرفته است و ممکن است بشکلی خوب و مفید یا بشکلی

بدوزیا نبار بکار رود .

در نتیجه ما، کشورهای آسیائی، که میل داریم سرنوشت خود را بهتر سازیم ناچاریم با هر دو انقلاب صنعتی و اتمی روبرو شویم و چاره دیگر نداریم . در حقیقت راه دیگری در برابر ما وجود ندارد . برای تمامی دنیا این موضوع مطرح است . زیرا مردم ممکن است تصور کنند که راهی را به میل خود برمیگزینند اما در واقع ما ناچاریم که راههای معینی را دنبال کنیم و گرنه سقوط خواهیم کرد و نابود خواهیم شد .

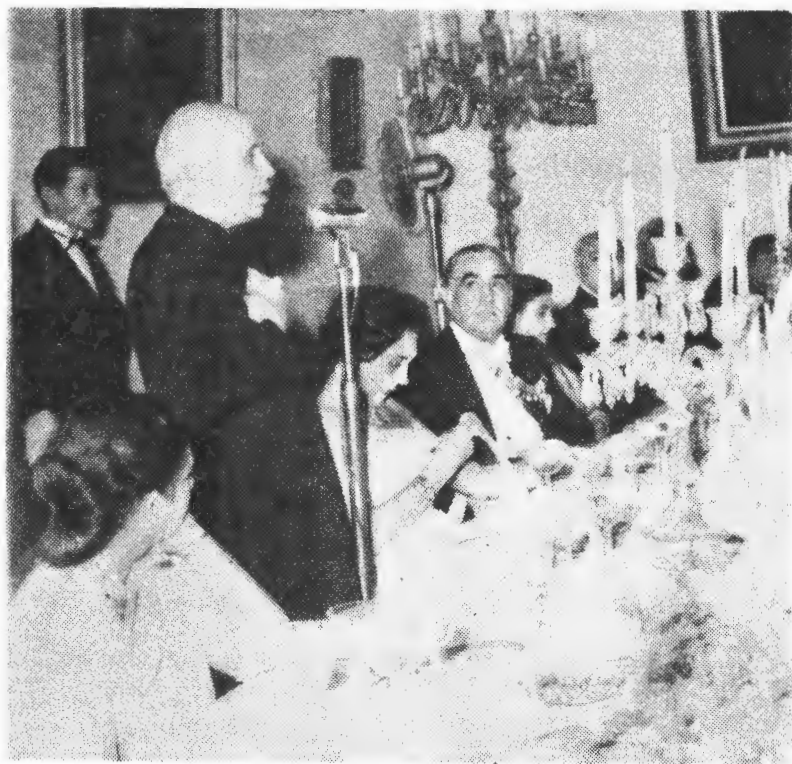
بدینقرار جناب آقای نخست وزیر، درحالیکه بدیروز خود و بگذشته های خود می اندیشیم و با مباحثات و افتخار از گذشته های درخشان سخن میگوئیم که در کشور شما و در کشور من در دورانی که ما بایکدیگر تماس نزدیک داشتیم وجود داشته است، خواهناخواه باید بزمان حال باز گردیم و بآینده ئی بنگریم که ما بخاطر آن کار میکنیم و زحمت میکشیم . من عقیده دارم که در این « حال » و در این « آینده » نیز ما با هم بخاطر غییر کشورهامان و بخاطر رفاه مردمانمان همکاری خواهیم کرد . بدین ترتیب تماسهای گذشته باید تجدید و تازه شود و تماسهای تازه بخاطر زمان های حال و آینده برقرار گردد .

جناب آقای نخست وزیر !

یکبار دیگر از بیانات گرم و حسن استقبال شما سپاسگزاری

میکنم .

اجازه میخواهم درخواست کنم جامهای خود را سلامتی
 اعلیحضرت همایون شاهنشاه و جناب آقای نخست وزیر و رفاه و
 آسایش ملت ایران بنوشیم .



زهره بنخطابه دکتر اقبال پاسخ میگوید

در اجتماع ورزشگاه امجدیه

بعد از ظهر روز ۲۷ شهریور آقای نهرو
باتفاق آقای دکتر اقبال نخست وزیر ایران در
ورزشگاه امجدیه حضور یافتند و در مراسمی که از
طرف ورزشکاران و شهرداری تهران ترتیب داده
شده بود شرکت جستند.

در این مراسم نمونه هایی از ورزشهای
باستانی ایران نمایش داده شد. از طرف ورزشکاران
و از طرف شهر تهران هدایائی بآقای نهرو تقدیم
گردید. آقایان مهام شهردار تهران و تیمسار
سرلشکر دفتری رئیس سازمان تندرستی جوانان
و تربیت بدنی ایران خطابه هایی ب زبان فارسی
مبنی بر خیر مقدم به آقای نهرو قرائت کردند.

آقای نهرو در پاسخ ایشان نطقی ب زبان هندی
ایراد کرد که بوسیله آقای گرداری لعل تیکو
کارمند سفارت کیرای هند ب فارسی ترجمه میشد.
ترجمه متن کامل این نطق نیز با همکاری
ایشان صورت گرفته است.

این متن قبلا در شماره آذرماه ۱۳۳۸ (شماره
۱۳۷) مجله گرامی «یغما» نیز چاپ شده است.

جناب آقای شهردار!
جناب آقای نخست وزیر!
حضار محترم!

خیلی مناسب بود که بزبان شیرین شما برایتان سخن میگفتم .
افسوس میخورم که نمیتوانم چنین کاری بکنم . زبان زیبایی شما بازبانهای
هندیپوند قدیمی دارد . چون نمیتوانم بزبان شما صحبت کنم بهتر است
بزبان هندی خودم چند کلمهئی برایتان بگویم تا بزبان دیگری که
نه زبان شماست و نه زبان ما .

هم اکنون شما شنیدید که آقای شهردار گفتند روابط میان ایران
و هند از هزاران سال پیش تا کنون برقرار میباشد . تمام جهانیان این
مطلب را میدانند و کتابهای تاریخ نیز این حقیقت را ضبط کرده اند .
در طی این هزاران سال طوفانهای تاریخی و جنگهای بزرگ
فرارسیده اند اما نتوانستند این روابط را از میان ببرند .

آثار این روابط تا کنون در کشور ما باقیست و مخصوصا اثر زبان
فارسی که در هند منزلگاه استواری برای خود بدست آورد، در زبانهای
ما بسیار نمایان است و همواره روابط قدیمی را بخاطرمان میآورد .

این سوابق قدیمی و تاریخی و این احساس نزدیکی که در
دورانهای گذشته میان دو کشور ما بوده است باید در خاطرمان زنده بماند . اما
در عین حال باید در نظر داشته باشیم که ما اکنون در زمان گذشته زندگی

نمیکنیم . از این جهت این سؤال پیش میآید که آیا چگونه میتوان آن روابط باستانی گذشته را در مقتضیات دنیای امروز محفوظ و برقرار نگاه داشت . و باید فکر کرد که روابط ما امروز چگونه میتواند باشد ؟
 دنیای امروز که ما در آن زندگی میکنیم دنیائی است عجیب و شگفت انگیز ، دنیائی است پراز انقلابها و تحولات شور انگیز . من منظورم از انقلاب ، انقلاب علمی است که در زمان ما در دنیای ماروی داده است و میدهد . امروز ما توانسته ایم بکره ماه دست یابیم و راه آسمانها را بروی خود بگشائیم

ما باید تاریخ گذشته را بخاطر داشته باشیم ، از آن درس بگیریم ، از آن نیرو بگیریم ، تا بتوانیم خود را برای زندگی در دنیای امروز آماده سازیم و با همکاری یکدیگر بسوی ترقی پیش برویم .

دنیای امروز دنیای علم است ، دنیای فنون است . در این دنیا باید علوم و فنون را مورد استفاده قرار دهیم . کشورهای دیگر که از علوم استفاده کردند خیلی پیش رفته اند . هند و ایران با وجود گذشته های درخشان در دنیای علوم جدید عقب افتاده اند و در سوابق خود گرفتار مانده اند .

اکنون فرصتی بدست آمده است و ما باید از آن بخوبی استفاده کنیم . ما باید زحمت بکشیم و دنیای امروز را بفهمیم ، از علوم و فنون بهره مند شویم . باید زحمات طاقت فرسا و ناملایمات بسیار را تحمل کنیم و بر خود هموار سازیم تا بتوانیم مشکلات را همان را از میان برداریم و مانند کشورهای دیگر بسوی ترقی و پیشرفت برویم و

همدوش و همگام آنها بشویم

من از مدت‌ها پیش آرزو داشتم بایران بیایم . اکنون پس از سالیان دراز این آرزو برآورده شد و من از اینجهت بسیار خوشحال هستم .
 من از هند و از مردم هند برای شما و برای مردم ایران پیامی آورده‌ام .
 این پیام مردم‌هند، پیام دوستی است، پیام محبت است، پیام اتفاق و همکاری است، پیامی است برای آنکه ما دست در دست هم بگذاریم و با همکاری یکدیگر پیش برویم .

از وقتی که بایران آمده‌ام همه جا با استقبال و محبت روبرو شده‌ام . بخاطر این میهمان نوازیها و مهربانیه‌ها، از دولت و نخست وزیر ایران و از مردم ایران کمال تشکر را دارم . همین استقبال و میهمان نوازی در هدایای نفیسی که در این مدت بمن داده شده است مخصوصا در هدیه گرانیه‌ها و زیبای جناب آقای شهردار منعکس شده است که من از آنها بسیار سپاسگزارم . اما آنچه از این هدایا بزرگتر بودو در من بیشتر اثر داشت استقبال گرم مردم ایران بود که هر جا رفتم علاقه و محبت آنها را از چشمهایشان درك کردم . هر کس با هر وسیله که داشت و تا آنجا که میتواندست محبت خود را بمن نشان داد . بخاطر این محبتها بسیار بسیار شکر گزارم .

در هند يك دوران انقلاب بر ما گذشت . جریان حوادث مرا بمیدان سیاست کشاند . من سیاست چندان علاقه نداشتم اما موقعیت زمان و موضوع استقلال هند مرا خواه نا خواه مانند هزاران هزار مردم دیگر باین میدان کشاند .

مردم هند هزارهزار بدور رهبری بزرگ جمع میشدند. مسلماً شما نام این رهبر بزرگ هند را شنیده‌اید. او مردی بود آزاده، وانسانی بودوارسته. نه دارائی داشت و نه نیروی مادی، نه سپاهی داشت و نه قشونی، و نه وسیله‌یی داشت که مردم را زیر تسلط خود قرار دهد. اما در این مرد نیرو و خصال بود که صدها میلیون مردم هند دور او جمع شدند و از او پیروی میکردند. ما برهبری این مرد بزرگ در مقابل امپراطوری عظیم بریتانیا قیام کردیم و پیروزی را بدست آوردیم.

باین ترتیب مردم هند پنجاه سال مبارزه کردند. این پنجاه سال گذشت و در این مدت با مشکلات بزرگ مواجه میشدیم. ما با تسلط حکومت مقتدر انگلستان روبرو بودیم. معجزاً با استفاده از وسایل مسالمت آمیز استقلال هند را بدست آوردیم. اما این پیروزی مشکلات ما را حل نکرد و پس از استقلال هند ما با جهاد بزرگتری مواجه شدیم.

این جهاد تازه ما بر ضد هیچ کشوری نبود. این پیکار بر ضد ضعف خودمان، بر ضد ناتوانی خودمان و بر ضد فقر و عقب ماندگی خودمان بود.

وطن من هم مانند سایر کشورهای آسیائی عقب افتاده بود. ما ناچار میبایست آنرا پیش برانیم و مشکلات صدها میلیون مردم هند را که مدت‌های دراز با فقر و محرومیت دست بگریبان بوده‌اند حل کنیم و سطح زندگی‌شان را بالا ببریم. ما میخواستیم برای مردم و وطنمان زندگی آسوده و مرفهی فراهم کنیم.

جهاد ما در این راه بود و هنوز هم ادامه دارد . این جهاد دوم ما از پیکار اولی بمراتب دشوارتر ، بزرگتر ، ودامنه‌دارتر است . در این پیکار که بر ضد ضعف وعقب افتادگی خودمان میباشد ما احتیاج داریم که نیرو و قدرت خود را افزایش دهیم . مامیایست باجدیت و فداکاری واعتمادبخویش بکوشیم وتلاش کنیم ، وما اکنون سرگرم این مبارزه هستیم .

همچنانکه ما استقلالمان را خودمان بدست آورده‌ایم باید زندگی ورفاهمان رانیز باکار وهمت خودمان ، بااتکا به نیرو وفداکاری خودمان ، وبامبارزه خودمان بسازیم .

ما کاملاً آگاهیم که باری سنگین را بدوش میکشیم . ما میدانیم که شما نیز در همین راه میکوشید و از این جهت خواستار دوستی وهمکاری با شما هستیم . ما خواستار دوستی و همکاری تمام جهان هستیم . ما هیچ کشوری را دشمن خود نمیپنداریم . حتی اگر کشوری با ما مخالف باشد باز هم خواستار دوستی با او هستیم .

مسائل بزرگی که امروز هند با آن مواجه است مسائلی است که شاید تمام کشورهای آسیا و تمام کشورهای عقب افتاده با آن مواجه میباشند . اکنون ما فرصتی بدست آورده‌ایم تا عقب ماندگی خود را جبران کنیم . در پنجاه سال اخیر مردم کشورهای دیگر در اروپا و آمریکا بسیار جلو رفته‌اند . ما باید خود را با آنها برسانیم و برای این منظور باید به نیروی خودمان متکی باشیم .

در این راه ما همکاری و دوستی همه کشورها را میپذیریم و

استقبال میکنیم اما باید مسلم بدانیم که پیشرفت ما اصولاً بکار و زحمت وفداکاری خودمان بستگی دارد . مللی که بدیگران متکی میشوند نمیتوانند جلو بروند .

بدیهیست هر کشور برای خود مسائل خاص دارد که باید برای آنها راه حلهای مخصوص پیدا کند . ما معتقد داریم که هیچ کشوری حق ندارد در امور کشور های دیگر دخالت کند . بهمین جهت من فقط در باره مسائل کشور خودم صحبت میکنم هر چند که میدانم بسیاری از مسائل ما با سایر کشورهای عقب افتاده یکسان است و شاید راه حلهای یکسان هم داشته باشد .

مسئله بزرگی که ما در پیش داریم مسئله اقتصادی است، مسئله فراهم ساختن وسایل زندگی مردم است، مسئله تأمین رفاه و شادمانی مردم هند است . این مسئله برای ما بسیار مهم است و ما ناچاریم با تمام نیروئی که داریم بحل آن بپردازیم .

پنجاه سال پیش وقتی که من بمیدان سیاست وارد شدم دنیا شکل دیگری داشت . در این مدت خیلی چیزها عوض شده است . بسیاری از کشورهای آسیا استقلال خود را بدست آورده اند . بسیاری از آرزوها که فقط صورت خوابهای طلائی را داشت تحقق یافته است اما هنوز هم کارهای بسیار باقیست و هدفهای بزرگتری در پیش داریم . ما در مقابل مردم و ملت هند متعهد هستیم که با تمام نیرو و توان خود و با تمام مقدرات مادی و معنوی خود تا آنجا که میتوانیم برای حل این مسائل بکوشیم .

در این دنیای پرانقلاب و در دورانی که مردم میکوشند بکره ماه بروند ما بهمان حال عقب افتادگی مانده ایم و نقش تماشاگر دیگران را داریم . آیا مایخواهیم فقط تماشاگر پیشرفت دیگران باشیم ؟ من گمان نمیکنم که مردم آسیا بخواهند فقط تماشاگر بمانند . من تصور میکنم که مردم آسیا هم میخواهند در دنیای امروز شریک پیشرفتهای دیگران باشند و پایبای دیگران پیش بروند . برای این منظور باید زحمت کشید و فداکاری کرد . اینکار، هم بنفع ما و هم بنفع تمام دنیاست .

اکنون وقت استراحت و آرامش نیست . امیدم آنستکه مردم آسیا وقت خود را ببطالت نخواهد گذرانند بلکه با جدیت و با کمال کوشش بکار خواهند پرداخت .

علوم جدید کلیدیست برای حل مشکلات ممالک عقب افتاده . ما باید این علوم را بیاموزیم و بکار بندیم و ازین راه باتمام نیروی خود برای رفاه و خوشبختی مردم ، برای بالا بردن سطح زندگی مردم و برای رفع مشکلات اقتصادی مردم بکوشیم تا در دنیای امروز دوشادوش دیگران پیش برویم .

برای ما لازم است که بر علوم و فنون جدید دست یابیم تا بتوانیم مشکلات خود را از میان برداریم .

برای حل این مسائل بزرگ و برای پیشرفت و ترقی ، ما کشور های آسیائی ، با دشواریهای گوناگون روبرو هستیم و بهمین جهت است که ما دوستی شما ، محبت شما و همکاری شما را درخواست داریم و در

مقابل دوستی خود، محبت خود و همکاری خود را بشما تقدیم می‌داریم.
 اکنون بار دیگر از مهربانیهای شما صمیمانه سپاسگزاری
 میکنم.



نهر و گلپای اهدائی جوانان رادروزشگاه امجدیه تماشا میکند

در ضیافت وزارت امور خارجه ایران

از ساعت ۸ بعد از ظهر روز ۲۷ شهریور
مجلس ضیافت شامی از طرف آقای دکتر صدر
معاون وزارت امور خارجه ایران بافتخار آقای
نهر و در کاخ وزارت امور خارجه ترتیب داده شد.
در سر میز شام ایشان نطقی بزبان انگلیسی
خطاب به آقای نهر و ایراد کردند و آقای نهر و
نیز با نطقی بزبان انگلیسی بایشان پاسخ دادند
و ترجمه هر دو نطق در اینجا نقل میشود.

خطابه معاون وزارت خارجه

جناب آقای نخست وزیر !

برای من جای کمال مسرت است که توفیق یافتم بمیهمان عالیقدر و ممتازی چون جناب عالی که از مدت‌ها پیش مورد احترام و علاقه صمیمانه بوده‌اید خیر مقدم بگویم. امیدوارم در طی اقامت خود در ایران هر چند که بسیار کوتاهست فرصت خواهید یافت که بعضی نواحی جالب این کشور را ببینید و با افرادی از شئون مختلف زندگی ملاقات فرمائید. در اینصورت کشف خواهید فرمود که چه احساسات گرمی نسبت به کشور بزرگ شما و موفقیت‌های درخشان مردم آن در میان طبقات گوناگون مردم کشور ما وجود دارد .

روابط نزدیک ایران و هند ورشته‌های ارتباط نژادی و زبانی و فرهنگی که میان دو ملت ما وجود دارد در طی قرون متمادی تاریخ ادبی و اقتصادی ما را بهم پیوند میداده است .

از اوایل عهد ساسانیان، ایرانیان همواره با اشتیاق تاریخ و جغرافیای هند را میآموختند و فرهنگ و فلسفه عمیق هند سرچشمه‌ئی برای درك فیض و الهام بخش محققان و ادیبان ما بوده است . از قرن دهم میلادی بعد اثر علمی و تحقیقی «ابوریحان بیرونی» در باره هند یکی

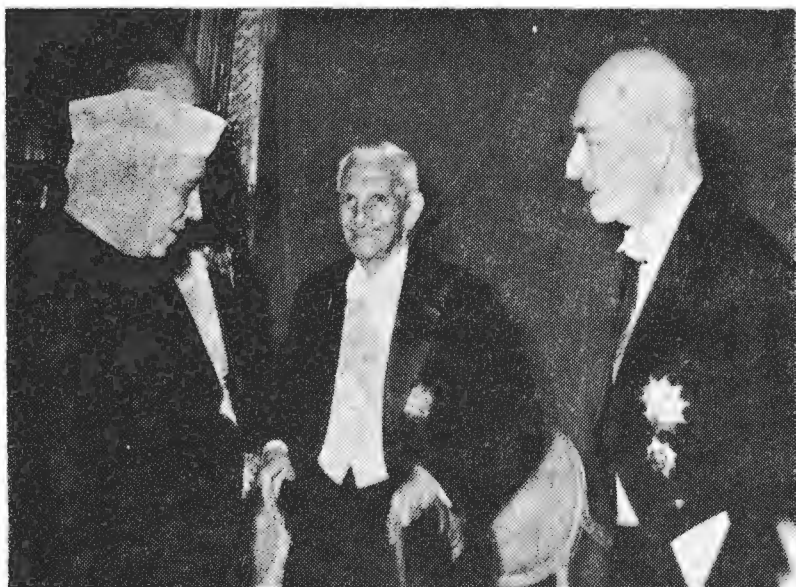
از آثار پر ارزش کلاسیک و منبع اطلاعات بشمار میرفته است .
 از طرف دیگر زبان و ادبیات فارسی در واقع در سر زمین هند
 برای خود وطنی ثانوی یافتند . ما بوجود کتابهایی که بوسیله دانشمندان
 هندی بـزبان فارسی نوشته شده افتخار میکنیم و از آن ها بسیار
 خوشوقتیم و میدانیم تعداد کتب فارسی که در هند انتشار یافته بیشمار است .
 علاوه بر این رشته های ارتباط فرهنگی در طی سالهای اخیر
 مخصوصاً ما با کمال تحسین و احترام ناظر تلاشهای فوق العاده و
 فداکاریهای بزرگ مردم هند بوده ایم که بر اثر الهام رهبر بزرگ مهاتما
 گاندی در راه استقلال خود مبارزه کردند اکنون هم همان تلاشها را
 در تحت رهبری خردمندان و نیروی فوق العاده جناب عالی در راه پیشرفت
 کشور خود صرف میکنند .

ملت ایران نیز که بر اثر علاقمندی اعلیحضرت همایون شاهنشاه
 به یک دوران پیشرفت و ترقی وارد شده است و هدفی جز حفظ صلح و
 عدالت و حفظ سنن فرهنگی و حیثیت خود ندارد و با اصول منشور ملل
 متفق و فادار میباشد امروز از یگانگی با ملت هند که همین هدف
 ها را دارد خوشوقت و شادمان میباشد .

جناب آقای نخست وزیر !

یقین دارم که مسافرت جناب عالی بایران و تماس شخصی جناب عالی
 با مردم ایران که با کمال اشتیاق خواهان ترقی کشور شما و تقویت
 روابط برادرانه میان دو ملت میباشد آزمایشی مسرت انگیز و جالب
 برای جناب عالی خواهد بود و امیدوارم از این اقامت کوتاه در میان ما

خاطرات خوشی همراه ببرید .
 اکنون با کمال مسرت جام خود را بسلامتی رئیس جمهوری
 هند و شخص جنابعالی و رفاه آینده ملت بزرگ هند بلند میکنم .



نهریو بارئیس مجلس سنا و سناوور حکیمی در ضیافت وزارت خارجه

پاسخ نهرو

جناب آقای وزیر!

جناب آقای نخست وزیر!

بانوان و آقایان محترم!

باید اعتراف کنم که من از طرف میزبان محترم غافلگیر شدم و نمیدانستم که ایشان نطقی ایراد خواهند کرد تا در پایان آن جامشان را به سلامتی رئیس جمهوری هند و رفاه مردم هند بلند کنند. باین جهت ناچار شدم که فقط در ظرف یک دقیقه و نیم پیاسخی برای بیانات ملاحظت آمیز ایشان بیاندیشم.

صحبت کردن در باره موضوعی که بدل و جان ما نزدیک است و مخصوصاً در باره روابط نزدیک و صمیمانه قدیمی میان ایران و هند، آنهم در زمینه های روابط فرهنگی دشوار نیست. اما بسیاری از شما ممکن است احساس کنید که این موضوع هر چند اهمیت فراوان دارد و ما باید همواره آنرا با خاطر داشته باشیم، با اندازه کافی در باره اش سخن گفته شده است.

یکی از هنرشناسان بزرگ یکبار ساختمان مشهور «تاج محل» در شهر اگره را «روح ایران که در جسم هند تجلی یافته» توصیف کرده است.

این امر نشان میدهد که چگونه فرهنگ دو کشور متقابلاً در هم

اثر داشته است اما فکر من اکنون بیشتر بمسائل حال و آینده توجه دارد زیرا من نیز مانند بسیاری از شما هنوز زندگی فعال دارم. ممکن است زمانی فرا رسد که بتوانم از کار کناره بگیرم و در دانشگاهی استاد بشوم - هر چند در این مورد تردید دارم - اما حتی در آن زمان هم فکر من تنها متوجه رؤیاهای گذشته نخواهد بود. محتملا يك استاد دانشگاه کمتر مانند يك سیاستمدار درباره آنچه اتفاق میافتد یا ممکن است احتمالا روی دهمی اندیشد در صورتی که من باید بسیار فکر کنم که حال و آینده چگونه خواهد بود.

بدیهیست من توجه دارم که عمرم تا اندازه‌ئی زیاد است و موجب حیرت خودم میباشد. واقعیت اینست که در دوران حیات من تغییرات فراوانی درهند، درآسیا، دراروپا و در سراسر جهان رویداده است که کم و بیش مرا متعجب میساخته است. اکنون از خود میپرسم که آیا در ظرف بیست سی سال آینده چه حوادثی روی خواهد داد زیرا اکنون سرعت تغییرات روز بروز بیشتر میشود و افزایش می یابد.

هیچکس برای افزایش این سرعت فشاری وارد نمیسازد اما شرایط و مقتضیات زمان خود بخود این تغییرات را سریعتر میسازد.

تغییرات اروپا بیشتر در دوران انقلاب صنعتی صورت پذیرفت. اکنون آسیا نیز همان جریان را دنبال میکند اما علاوه بر آن در طی بیست سی سال آینده نیروی اتمی تغییرات بزرگتری بوجود خواهد آورد. بدیهیست فعلا عواقب جنگی نیروی اتمی را بحساب نمی آورم و فقط استفاده های مسالمت آمیز آن را در نظر میگیرم.

باین جهت باید مراقبت کنیم که کشور هامان ، هم کشور من و هم اگر بتوانم گفت کشور شما ، دوباره مانند گذشته عقب نماند . از اینرو باید پیش از پیش در فکر حال و آینده باشیم . گاهی اوقات من نیز رؤیا های گذشته را بنظر میاورم که درباره آن هم مسئولیتی ندارم . تفکر درباره حلال و آینده گاهی اوقات اسباب مسرت خاطر وزمانی موجب تصورات اندوهناک میشود اما وقتی که در باره ایران و هند میاندیشیم باید امیدوار باشیم که ارتباط های آینده ما بسیار خوشایند و حتی مطبوعتر و خوشایندتر از گذشته و حال باشد . تمنا دارم خانمها و آقایان محترم جامهای خود را بسلامتی اعلیحضرت همایون شاهنشاه و صلح و رفاه مردم ایران بلند کنید .



نهر و بانو ایندیرا گاندی بارئیس مجلس شورای ملی و وزیر دربار شاهنشاهی

۵

در مراسم دانشگاه تهران

بعد از ظهر روز ۲۸ شهریور دانشگاه تهران
درجه دکتراى افتخارى در رشته حقوق را به آقاى
جواهر لعل نهرو اعطا كرد. اين مراسم در تالار
فردوسى در دانشكده ادبيات انجام گرفت . در
اين مراسم ابتدا آقاى دكتور فرهاد خطابه‌ئى
بزبان فارسى قرائت كردند و سپس آقاى نهرو
سخنرانى مفصلى مرتجلا بزبان انگليسى ايراد
كرد كه شايد مهمترين نطق ايشان در ايران باشد.
متن كامل اين نطق در شماره ۷ (شماره
مهرماه) مجله گرامى « سخن » نيز انتشار يافته
است .

خطابه رئیس دانشگاه تهران ❁

جناب آقای نپرو نخست وزیر هندی !
برای اینجانب نهایت مسرت است که امروز از طرف کارکنان
دانشگاه تهران و از طرف خودم مقدم جنابعالی را در این جایگاه علم
و دانش شادباش عرض کنم .

سابقه ارتباط ملت عظیم شما با ملت ایران در عوالم نژادی ،
فرهنگی ، لغوی و اقتصادی ثبت صفحات تاریخ است . این دو ملت از
دیر باز دارای يك سبك فكر و يك روش تحقیق در مشکلات حیات
بوده اند . از اینرو يك میراث مشترك در فرهنگ از خود بجای
گذاشته اند . همچنین در طول ازمنه تاریخی و قرون باستانی تا امروز
این هر دو ملت در راه ترقی علم و هنر دوش بدوش یکدیگر مساعی
جمیله بکار برده اند . در روز گاری که جهان در ظلمات جهل مستغرق
بود و در زمانی که انسان توجهی چنانکه باید بیرکات روحانی و سعادات
نفسانی نداشت حکما و خردمندان این دو ملت بوده اند که کلمه عدالت
را در نعمات گیتا و در گاتاهای اوستا برای آیندگان میراث گذاشته اند
و تعالیمی بوجود آورده اند که در استواری هنوز نظیر ومانندی در عالم
نیافته است .

* متن خطابه آقای رئیس دانشگاه تهران از نشریه اخبار دانشگاه نقل شده است .

ما ایرانیان کشور عظیم هند را مهد فرهنگ باشکوهی میدانیم که علامت بارز و خاصیت برجسته آن همانا خلوص نیت و صفای عقیدت و «ترك نفس» است. اینها اصول زرینی هستند که در آثار ادبی باستانی هندوئی بکمال وضوح طرح ریزی شده و بعد از هزاران سال همچنان بتازگی و طراوت ابتدائی بدست ما رسیده است. در کتاب گیتا در یکی از ابیات معروف آن گفته شده است «در خود بیاندیش زیرا که حیات در نفس تو پنهان است. می باید که ما یکدیگر را روشن کنیم و خوشنود و شادمان باشیم.»

جناب آقای نهر و !

ما در وجود شما تجسم این کلمات بزرگان هند را بخوبی مشاهده میکنیم. شما در طول دوره درخشان خدمات سیاسی و اجتماعی خود همیشه سرمشق خلوص نیت و پاکیزگی دل و فداکاری بوده اید. در مدت عمر خود هیچوقت ذره بی از خود گذشتگی را دریغ نداشته و همیشه لذایت نفسانی را فدای منافع کشور خود کرده اید. آنچه در راه طلب آزادی هندوستان از شما ظاهر شده در تاریخ با خطوط زرین جاویدان ثبت و برقرار است. شما نه تنها برای مهاتما گاندی یعنی پدر ملت هند جانشینی شایسته بوده اید بلکه بنوبت خود در بنای عمارت هند نوین معماری لایق و هنرمند بشمار میروید. ترقیات شگفت آوری که در این دوره دهساله نصیب کشور هندوستان شده است از برکت راهنمایی و در پر تو هدایت شماست و در حقیقت در عالم ملکه داری و سیاست مدن بزرگترین شاهکار را بوجود آورده اید.

جناب آقای نخست وزیر !

خدمات برجسته شما محدود به حدود مملکت شما نبوده است بلکه افکار و اعمال جنابعالی بنوبت خود در تحکیم مبانی صلح جهانی تأثیری فراوان داشته و بهمین سبب شایسته است که نام شما در صف اول صلح طلبان جهان ثبت شود .

در زمینه علم و ادب نیز الحق وجود شریف مانند يك صاحب قلم و يك متفکر دانشمند مصدر اعمال عظیمه گردیده است . شاهکارهای قلمی شما در معرض مطالعه جهانیان قرار گرفته و در سراسر عالم باصل و یا بترجمه خوانده میشود . شما با كلك توانا و زبان گویای خود آثاری بوجود آورده اید که در کتاب خزانه ادب مانند جواهر درخشان است . آنچه در دو کتاب بزرگی خودتان یعنی « کشف هند » و « لحظات تاریخ جهان » در باب وطن ما ایران و فرهنگ باستانی آن نوشته اید نزد ما بسیار گرانها و گرامی است و آن خود دلیلی واضح و برهانی آشکار بر فکر روشن و روح بلند و قضاوت عادلانه جنابعالی میباشد .

جناب آقای نهرو !

دانشگاه تهران کمال علاقه خود را با حیاء روابط دیرین دو کشور در زمینه ادب و فرهنگ و علم و هنر آنچنانکه مورد توجه دولت جنابعالی در این ده سال بوده است نیز بنوبت خود با کمال وضوح ابراز داشته و در دانشکده ادبیات کرسیهای مخصوص تعلیم فرهنگ و زبان « هندی » و « اردو » تأسیس کرده . همچنین پایگاه محکمی برای

تبادل دانشجو و استاد با دانشگاههای هندوستان بنیاد نهاده است و اطمینان داریم که در آینده نیز دانشگاه تهران این سنن پسندیده را ادامه خواهد داد و امیدواریم که دانشگاههای بزرگ هندوستان که هر کدام بنوبت خود مهد علم و دانش اند در تأسیس کرسیهای بیشتری در زبان و ادبیات فارسی ورشته‌های ایرانشناسی و همچنین در مسئله تبادل معلم و متعلم اقدام نمایند .

جناب آقای جواهر لعل نهرو!

اینک بعلامت قدرشناسی از خدمات ذیقیمت جنابعالی بمملکت خودتان مانند یک راهنمای روشن فکر و همچنین از خدمات شما بعالم انسانیت مانند یک نویسنده متفکر بزرگ و صلحدوست و همچنین بیاس مساعی جمیله که در راه احیای دوستی تاریخی ایران و هند بعمل آورده‌اید با کمال افتخار از طرف شورای دانشگاه درجه دکتري افتخاری حقوق را بجنابعالی تقدیم میدارم .

گفتار نهرو در دانشگاه تهران

آقای رئیس و اعضای محترم و ممتاز دانشگاه !
شما با اعطای درجه دکترا افتخاری دانشگاه خود افتخار عظیمی
بمن بخشیده اید که مرا یکی از اعضای جامعه برادری خود ساخته اید
و از جهتی مرا در میراث بزرگی شریک کرده اید که دانشگاه شما مظهر
آنست و همچنین اگر بتوانم گفت مرا بصورت یکی از همکاران
کنونی خود در آورده اید .

من باین امر افتخار فراوان دارم زیرا این دانشگاه هر چند
از نظر شمارش سالها عمر دراز ندارد اما در حقیقت نماینده و مظهر
سنت بسیار قدیمی دانش و فرهنگ ایران میباشد و برای هر کس
امتیاز و توفیق بزرگی است که با این سنت ممتد پیوند یابد و
افتخار همکاری با مردان و زنانی را که در دوران کنونی نماینده
آن هستند بدست آورد . از اینرو سپاسگزار شما هستم .

شما جناب آقای رئیس دانشگاه ، در سخنان خود پیوندهای
ممتد ایران و هند در گذشته های دور و به ارزشهای مشترک که
اساس زندگی ما بوده و موجب غنای فرهنگ ما شده و راه وظیفه را
بما نمایانده است اشاره کردید . من تردید ندارم که آن اصول عالی و آن
ارزشها نه فقط در گذشته برای ما مفید بوده بلکه اگر به آنها وابسته و وفادار
بمانیم در زمان حال و آینده نیز میتوانند برای ما مفید واقع شوند .

در جهان امروز که میخواهم مختصری در باره آن سخن بگویم ظاهراً گاهی کمبود و نقصی بنظر میرسد و این نقص ، نبودن پیوند با بعضی اصول اساسی و ارزشهای معنوی زندگی است . از اینرو برای ما که وارث سنتهای با ارزشی هستیم و این امتیاز بزرگ را برای خود داریم ، این امر اهمیت فراوان دارد که سنن گذشته و با ارزش خود را بیاد آوریم و بآنها وابسته و وفادار بمانیم و آنها را محفوظ نگاه داریم .

آقای رئیس دانشگاه ! اجازه میخواهم بگویم که من نیز متقابلاً با نظر جنابعالی در مورد مبادلات در زمینه های دانش و فرهنگ کاملاً موافقم . من با شما موافقت کامل دارم که ما باید در هند خیلی بیش از آنچه اکنون انجام میدهیم بترویج زبان بزرگ ایران پردازیم زیرا هر چند این زبان بدون هیچ تردید زبان ایرانی است در عین حال در طی صدها سال جزئی از زبان و فرهنگ مانیز بشمار میرود .

آقای رئیس ، هم اکنون گفتم که من تا چه اندازه برای آن موازین اساسی و اصول با ارزش که بعقیده من فرهنگهای قدیمی ما مظاهر آن بوده اند و کشورهای ما را در گذشته بزرگ داشته اند اعتبار قائلم . معذرتاً امروز دانشگاه شما و دانشگاه های ما ، در حالی که آن سنت های با ارزش گذشته را محفوظ نگاه میدارند و غنی تر میسازند باید بدوران کنونی و مسائل امروزی نیز پردازند ، در غیر اینصورت دانشگاه بصورت یکنوع « برج عاج » در خواهد

آمد که از زندگی ملت و مردم جدا خواهد ماند .
 دانشگاه طبعا و بضرورت باید گنجینه نگهداری فرهنگ، و
 دانش قدیم باشد . بدیهیست چه در اینجا، چه در هر جای دیگر ما بآن
 شکل و صورتی هستیم که قرون و اعصار گذشته ما را ساخته اند . ما
 نه فقط در زندگی کنونی خود بلکه در طی نسلهای متمادی گذشته
 تحت تأثیر سنتهای قدیمی خود قرار داشته ایم و داریم و از اینرو نمیتوانیم
 این گذشته ها را نادیده بگیریم و از آن غافل بمانیم . ما نه تنها باید از گذشته
 خود مطلع باشیم بلکه باید از آن بهره مند گردیم و همواره آنرا پیاد داشته
 باشیم . معذرا باید متوجه بود که ما در دوران حال زندگی میکنیم
 و باید بتوانیم مسائل امروزی را حل کنیم و بدینقرار هر دانشگاهی باید
 برای حل مسائل امروزی ، مردم کشور خود را راهنمایی کند .

اگر به پشت سر خود و بدورنمای تاریخ ، نه بگذشته های
 خیلی دور ، بلکه بحدود ۲۵۰ سال پیش و اوایل قرن هجدهم
 نگاه کنیم می بینیم که در آن زمان اگر کشورهای آسیا با کشورهای
 اروپا مقایسه میشدند کشورهای آسیائی از جهات متعدد پیشتر
 میبودند زیرا صرفنظر از کامیابیهای فرهنگی حتی در بعضی
 زمینه های دیگر مانند علوم و صنایع نیز میتوان گفت آسیا، یا بعضی
 کشورهای آسیائی، به نسبت از دیگران جلوتر بوده است .

اگر درباره کشور خود بگویم میتوان گفت که وقتی خارجیا
 بکشور ما آمدند برای آن بود که از مصنوعات زیبا و عالی ما
 استفاده کنند و نه برای آنکه مصنوعات خودشان را بیاورند و بما

بفروشند. این منظور بعد ها پیدا شد. در آن زمان، یعنی در اوایل قرن هجدهم، هند از کشور های صنعتی بود، البته نه از نظر صنایع جدید، اما با صنایع متداول همان زمان محصولات عالی تولید میکرد بطوریکه در اوایل قرن هجدهم از نظر صنعت تفاوت نمایانی میان اروپا و آسیا وجود نداشت. البته روشن است که کشور ها برای خود خصوصیات ملی دارند. بعضی ها در پاره‌ئی امور بهتر هستند و بعضی دیگر در امور دیگر. بعداً در این وضع ارتباط آسیا و اروپا تغییری روی داد. میتوان گفت که پیش از آن زمان تا روزگاری دراز اروپا تقریباً همچون دنباله‌ئی از آسیا بود و در طول تاریخ بیشتر آسیا بود که بر اروپا سایه میافکند. اما بتدریج تغییراتی پیش آمد. هر چند که شاید این تغییرات از چندی پیش در حال تکوین بود اما در قرن هجدهم نمایان گشت، یعنی در اواسط آن قرن وضع بخوبی مشخص بود و در اواخر قرن مزبور اروپا را از جهات مختلف بر آسیا مسلط ساخت و در قرن نوزدهم اروپا عملاً آسیا را در اختیار خود داشت.

اکنون باید دید چرا چنین وضعی اتفاق افتاد؟ چرا این تغییر وضع روی نمود؟ آیا اروپا چه چیز داشت که ما کم داشتیم؟ تا اندازه‌ئی روشن است که این تغییر چگونه روی نمود، زیرا اروپا در قرن هجدهم بعلم و فنون جدید پرداخت، روشهای تازه برای تهیه اشیاء، منابع تازه برای بدست آوردن نیرو، راههای تازه برای بکار بستن علوم پیش گرفت. فنون تازه باروپا یا بعبارت صحیح تر



وزیر فرهنگ و رؤسای دانشکده‌ها در دانشگاه تهران از نهر و استقبال کردند

بعضی از کشورهای اروپای غربی نیرو و قدرت بخشید . این کشورها سلاحهای نیرومند پیدا کردند اما حتی از لحاظ بکار بردن علوم و از لحاظ طرز فکر علمی نیز نیرومند شدند . بهمان نسبت که استفاده از علوم و فنون جدید و روشهای علمی در اروپا پیشرفت میکرد فاصله میان اروپا و آسیا هم بیشتر میشد . اختلاف میان اروپای نیرومند و آسیای ناتوان روز بروز نمایان‌تر میگشت و بعضی کشورهای اروپای غربی بسبب همان نیرو کم کم از راههای گوناگون بر آسیا و آفریقا مسلط شدند .

در بعضی از کشورهای آسیائی مانند کشور من تسلط ایشان مستقیم و علنی بود و در بعضی کشورها بطور غیر مستقیم مسلط بودند . اما تقریباً در همه جا تسلط اروپای غربی نیرومند، بر آسیای فرسوده نمایان بود . بدیهیست آسیا از آنجهت ضعیف شده و عقب مانده بود که نتوانسته بود در زمینه علوم و فنون با اروپا همقدم باشد و منابع تازه نیرو را که اروپا مورد استفاده قرار داده بود بکار بندد . در آسیا استفاده از زغال سنگ که منبع تازه نیرو بود و استفاده از آهن که ابتداء موجب قدرت انگلستان و بعد مایه اقتدار سایر کشورهای اروپای غربی و آمریکاشد بموقع آغاز نشد و از اینرو آسیا عقب ماند .

در اینجا این موضوع جالب دقت پیش میآید که چرا آسیا که از لحاظ اندیشه و حتی از لحاظ بسیاری رشتههای علوم در زمانهای گذشته تفوق و پیشی داشت ناگهان مقام ممتاز و رهبری خود را از دست داد و اگر بتوان کلمه «راکد» را بکاربرد از این جهات در افکار خود را کد و بیحرکت گشت ؟ آیا این امر بعلت چیزی که من آنرا «ترادیسو نالیسم» مینامم یعنی بسبب پیوند فراوان و افراطی با سنتهای گذشته بود ؟ و از آنجهت بود که تصور میکردیم هر کاری را که ممکن بوده انجام داده ایم و دیگر کاری تازه وجود ندارد ؟ یا این امر بسبب عوامل دیگر بوده است ؟ من درست نمیدانم .

راستی اینست که فاصله میان ثروت و نیروی اروپا با آسیا بسیار نمایان شد و بسبب همین نیرو و همین تسلط اروپا بر آسیا این فاصله روز بروز هم بیشتر گشت . بدیهیست که من اکنون از هند سخن

میگویم ولی هند از این لحاظ نماینده تمام کشورهای آسیا بشمار میرود .
وضع ماچنان شد که حتی امکان پیشرفت هم برای ما متصور نبود
زیرا در مقابل ضربت نفوذ خارجی مبهوت شدیم . و این امر نه تنها
در مقابل فتوحات خارجی بلکه در برابر تفوق خارجی نیز بود و از
جہات گوناگون فرهنگ خارجی ضربتی بر ما وارد میساخت . این
ضربت برای ما غیر منتظر بود اما شاید برای هر کشور گاه بگاه يك
چنین ضربتهائی لازم است . این ضربت ما را بیدار کرد و تکان داد و
از این جهت خوب و مفید بود اما دردستگاههای استعمار خارجی چیزهای
ناگوار هم وجود دارد که مانع پیشرفت و ترقی واقعی میشود هر
چند که گاهی چنین بنظر برسد که پیشرفتهائی صورت میگیرد .

در اوایل قرن نوزدهم آمریکا شاید با سرعتی بیش از اروپا پیش
میرفت و ثروتمند و نیرومند میشد زیرا پیش از اروپا در امور علمی و فنی
ترقی میکرد . اما کشورهای آسیا در آن زمان کمابیش آرام و ساکن
ماندند البته نه کاملاً ساکن و بیحرکت زیرا هیچکس و هیچ چیز جز
مردم ها هرگز کاملاً بیحرکت و ساکن نیست . در آسیا تغییراتی روی
میداد اما بسیار ناچیز بود و در نتیجه فاصلهائی که میان اروپا و آسیا وجود
آمده بود پیوسته بیشتر میشد . فاصله میان کشورهای غنی و ثروتمند
که روز بروز ثروتشان افزوده میشد با کشورهای ضعیف و فقیر که
هر روز بیشتر فقیر میشدند بشکل محسوسی سرعت افزایش مییافت .
این جریان در تمام طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ادامه داشت
و بعد دوران تازهئی فرا رسید . در سالهای اخیر کشورهای آسیا پس

از مبارزات طولانی با استقلال نایل شدند و پس از حصول استقلال طبعا میخواهند بر روی این فاصله‌ئی که از لحاظ ثروت و قدرت و پیشرفت و رفاه و آسایش عمومی آنها را از اروپا و آمریکا جدا میسازد پلی بوجود آورند و احساس میکنند که این پل را فقط با توسعه و تکامل علوم و فنون میتوانند بسازند. باین جهت است که کشورهای آزاد شده آسیا اکنون در میان چیزهای مختلف خاصه بعلم جدید و استفاده از فنون توجه دارند و میتوانند دید که همه جاد را این زمینه‌ها کوششها و تلاشهایی صورت میگیرد.

من اکنون میخواهم بعضی جنبه‌های همین موضوع را مطرح سازم زیرا علوم جدید و پیشرفتهای علمی و فنی چنان تغییرات بزرگی بوجود آورده که اساس زندگی را دگرگون ساخته است.

همه ما چه کشورمان صنعتی شده باشد و چه نشده باشد، چه بعلم پرداخته باشیم و چه نپرداخته باشیم، میدانیم که امروز در دوران علوم و فنون زندگی میکنیم. ماسفرهای خود را با هواپیما و قطارهای راه آهن و اتوموبیل انجام میدهیم و سایل ارتباطی را بکار میبریم که پیش از این شناخته نبودند. حتی اگر فقط یکی از مظاهر علم و دانش مثلا سایل ارتباط را در نظر بگیریم میتوانیم دید که دنیا در طی دو سست سصد سال اخیر تا چه اندازه تغییر و تحول یافته است.

اگر تقریباً دو سست سال بعقب برویم گمان میکنم که سایل ارتباط چه از لحاظ حمل و نقل و مسافرت و چه از لحاظ ارسال اخبار و اطلاعات در آن زمان تقریباً بهمان صورت دوهزار سال پیش بود و تغییر عمده‌ئی در

آنها راه نیافته بود. محتملا سریعترین وسیله ارتباط اسبهای تندرو بودند و سریع ترین وسیله ارسال پیام نیز همان سواران تیز رو بودند. بدینقرار در حدود دوهزار سال یا بیشتر دنیا ازین لحاظ یکسان و یکنواخت باقی مانده بود. اما ناگهان تغییری پیش آمد و انواع پیشرفته‌ها صورت پذیرفت. اگر دقت کنیم می بینیم که در هر سال چیز تازه‌ئی پیدا شده است و حالا شاید در هر ماه پیشرفت تازه‌ئی روی میدهد. اکنون ما با کشتیهای بخار یا با استفاده از نیروی برق سفر می کنیم. تلفن و تلگراف و بیسیم و رادیو و رادار را برای ارتباط بکار میبریم و دستگاه های تازه الکترونیک مورد استفاده مقرر میگیرند که با شکل مرموز اشیاء را تحت استیلای خود دارند. ما از تمام این چیزها استفاده میبریم و آنها را میپذیریم و بکار میبندیم هر چند هم بدرستی ماهیت آنها را درک نکنیم. تمام این چیزها تار و پود زندگی انسان را تغییر میدهند و اگر آنها را بکار نبندیم بیش از پیش عقب خواهیم ماند و هرگز نخواهیم توانست پیشرفتی داشته باشیم. از اینرو باید متوجه باشیم و بدانیم که علوم و فنون جدید چیزهائی بیرون از زندگی نیستند که فقط بدست کارشناسان سپرده شوند تا ایشان بآن امور پردازند و چیزهای خوبی را که میل داریم برای ما تهیه و تولید کنند. علوم و فنون امروزی با زندگی ما پیوند دارد و در ما تغییری بوجود میآورد. چه بصورت فردی و چه بصورت گروه های اجتماعی ما را دگرگون میسازد و سرانجام از جهات سیاسی و اقتصادی نیز در سازمان اجتماعی هر جامعه اثر میگذارد از اینرو دیگر نمیتوان این چیزها را از یکدیگر جدا ساخت.



نهر و لباس استادی دانشگاه تهران را میپوشد

اگر اروپا ثروتمند شده است بسبب توسعه صنایع بوده است .
صنایع هم بسبب توسعه علوم و استفاده از روشهای علمی تکامل یافته اند
از طرف دیگر علوم و فنون نیز بمنظور تکامل صنایع ترقی و تکامل
پیدا کرده اند

اکنون از یکسو « علوم محض » وجود دارد و از سوی دیگر
« علوم عملی ».

«علوم محض»، یعنی تحقیق علمی بمنظور خود علم و تحقیق بقصد
کشف حقیقت، لازم و ضروری است . این قبیل امور هر چند که نتایج
و ثمرات فوری و مستقیم برای شخص یا جامعه بشری نداشته باشند دیر

یا زود سودهائی از آنها بدست میآید. اما آنچه بیشتر درزندگی امروز اثر میگذارد علوم عملی میباشد که مستقیماً در صنایع و در امکان تولید ثروت برای جامعه مؤثر است.

میتوان دید در اروپا در صد سال اخیر و حتی پنجاه سال اخیر چه تغییرات عظیم رویداده است. خود من این پنجاه سال گذشته را بیاد میآورم و این تغییرات را در نظر دارم. شما نیز میتوانید تغییراتی را که در کشور خودتان یا در کشورهای دیگر آسیا رویداده است ببینید و در نظر بیاورید. تغییراتی که در ایران یا هند رخ داده است تا اندازه‌ئی - اگر بتوان این کلمه را بکار برد - «تحمیلی» بوده است و نه تغییرات طبیعی که بشکل عادی تکامل یافته باشد.

بعضی ازین تغییرات، عادی و طبیعی، بعضی دیگر مقتبس، و بعضی هم، اگر بتوان گفت، تقلید شده از غرب هستند. مثلاً اگر ما اتومبیل را مورد استفاده قرار میدهیم ما آنرا تولید نکرده‌ایم و بوجود نیاورده‌ایم بلکه فقط آنرا بکار میبریم. هر شخص کودن و ابلهی میتواند اتومبیلی را بکار بیندازد و بحرکت آورد زیرا بکار بردن اتومبیل مستلزم نبوغ اختراع و اکتشاف نیست. اما کسی که اتومبیل را اختراع کرده مردی بزرگ و مخترع بوده است. هر راننده عادی میتواند یک موتور را بکار بیندازد یا بکار ببرد اما چنین مردی بزرگ و فوق العاده نیست، فقط کافیست مختصری هوش و ذکاوت عادی داشته باشد تا بتواند موتورها را بکار ببرد. اما در این موارد تقلید کننده اختراعی فنی و طرح‌های علمی خواهیم بود که دیگران اختراع و کشف

کرده اند. ولی باید دانست که هیچ کشوری تا وقتی که کارهای دیگران را تقلید میکند واقعا بزرگ نیست مگر آنکه خود نیز نبوغی برای کشف و اختراع داشته باشد و در ضمن بتواند از اختراعاتی دیگران هم بخوبی استفاده کند. ما نمیتوانیم فقط با تقلید از دیگران در صنایع و علوم پیشرفت داشته باشیم.

همچنین همانطور که در اروپا دیده ایم و اکنون در آسیا نیز می بینیم تغییرات عظیمی در زمینه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی روی میدهد. میخواهم توجه شما را باین معنی جلب کرده باشم که نمیتوان علوم و صنایع و استفاده از روشهای علمی را از زندگی عادی جدا ساخت. این امور خود قسمتی از زندگی است و در زندگی عادی تاثیر بسیار بوجود میآورد زیرا در واقع هیچ چیز انقلابی تر از علم وجود ندارد.

ما در باره انقلابها سخن میگوئیم: انقلاب فرانسه، انقلاب آمریکا، انقلاب روسیه و غیره. اما بزرگترین انقلابها همیشه انقلابهای علمی و انقلابهای فنی بوده است که شکل زندگی را در روی کره زمین دگرگون ساخته است.

امروز گفتگوهای بسیار در باره کمونیسم، سوسیالیسم، ضد کمونیسم، کاپیتالیسم و این قبیل چیزها وجود دارد که البته بجای خود بمورد و معتبر است. این گفتگوها و استدلالها مهم است اما راستی اینست که جنبه ثانوی دارد. اختلاف واقعی در دنیای امروز میان جامعه های مترقی صنعتی که بر علوم و فنون متکی هستند از یکسو و جامعه های غیر صنعتی از سوی دیگر میباشد. اختلاف واقعی امروز

همین است. ممکن است در کشورهای دیگر درباره نظرات و افکار سیاسی بگفتگو و مباحثه بپردازند یا ممکن است در کشوری یا کشورهایی از بعضی نظرها سوء استفاده کنند. بی شک این امور برای ما اهمیت دارد اما باید بیاد داشته باشیم که اختلاف واقعی آنست که میان کشورهای صنعتی شده مترقی و کشورهای صنعتی نشده و عقب مانده وجود دارد.

راست است که اگر اداره کشوری که از لحاظ صنایع و علوم مترقی و تکامل یافته بر اساس سرمایه داری یا کمونیسم مبتنی باشد تفاوتی بوجود می آید اما اساساً کشورهای صنعتی و مترقی در هر دو حال در یک جهت قرار دارند. هر دو از نظر صنعتی تکامل یافته اند و منابع علمی و فنی را در اختیار دارند. بدین قرار میان این جامعه های مترقی صنعتی خیلی بیشتر قدر مشترک وجود دارد تا میان هر یک از آنها با جامعه های علمی یا صنعتی نشده است، و بسیار احتمال دارد که جامعه های مترقی صنعتی منازعات میان خودشان را از یاد ببرند و هدف های مشترک پیدا کنند اما باید دید در این صورت برای کشورهایی که باندازه آنها صنعتی نشده اند چه پیش خواهد آمد. زیرا واقعیت آنست که وقتی کشوری صنعتی شد برای پیشرفت و ترقی خود امکاناتی خیلی بیشتر دارد. وقتی کشوری روش های علمی تازه را می پذیرد نیرویش برای سرعت ترقی و پیشرفت پیوسته بیشتر میشود. در واقع میتوان گفت کشورهای صنعتی شده بسیار ثروتمندتر هستند و کشورهای ثروتمندتر روز بروز ثروت بیشتر بدست می آورند و غنی تر میشوند در حالیکه کشورهای فقیرتر همچنان فقیرتر میمانند حتی اگر هم پیشرفتی برای خودشان داشته باشند فاصله میان آنها و کشور

های دیگر که با سرعت بیشتر پیش می‌روند دائماً افزایش می‌یابد .
 دومین جنگ جهانی چهارده سال پیش پایان یافت . جالب است
 به بینیم از پایان جنگ تا کنون چه اتفاقیایی روی داده است . چند
 کشور بر اثر جنگ بشدت آسیب دیدند و ویران شدند : آلمان ،
 روسیه غربی ، تا اندازه‌ای انگلستان- البته نه بسیار- و ژاپن بر اثر
 جنگ صدمات بسیار دیدند . اکنون باین کشورها بنگریم . در مدت
 ده سال پس از جنگ آلمان که بشدت ویران شده بود از میان خاکستر
 خود برخاست و با وجود آنکه تجزیه شده است بصورت یک قدرت عظیم
 صنعتی و علمی ، بهمان عظمت که قبلاً بود ، و حتی بزرگتر و بـ
 عظمت تراز پیش در آمد . این قابلیت و لیاقت مردم آلمان برای پیشرفت
 و ترقی و انجام دادن کارهای عالی فوق العاده است . اما آلمان تنها
 نیست . ژاپن هم بهمین صورت عمل کرده است و از میان خاکستر جنگ
 دوباره بپاخاسته است . روسیه نیز چنین کرده است . روسیه در دوران
 جنگ سخت آسیب دید . با وجود این روسیه نیز کارهای عالی و بزرگ انجام
 داده است و می‌دهد .

باید دید آیا چه چیز عامل انجام دادن این کارهای بزرگ و
 عالی است ؟

این عامل نه کمونیسم است نه چیز دیگر . بلکه این عامل اصلی ،
 بکار بردن علم و دانش و داشتن اساس و تکیه گاه علمی و صنعتی و مردمان
 پرورش یافته ، و کار سخت و جدی است زیرا برای رسیدن به هدفی کار
 جدی شرط اساسی و اصلی است .

بدین قرار می بینیم این کشورها از لحاظ نظریه اجتماعی و سیاسی

بهر شکل که بوده اند در هر حال يك عامل مشترك داشته اند . یعنی بنیان صنعتی داشته اند ، تکیه گاه علمی داشته اند ، تعداد زیادی افراد پرورش یافته و کارشناس و متخصص داشته اند و روشهای علمی و فنی را بکار بسته اند . در واقع انسان پرورش یافته و کاردان است که همه چیز و از جمله ماشین و ثروت را میآفریند .

آلمان چنین افرادی داشت و باین جهت بصورت يك قدرت عظیم درآمد . بهمین قرار کشورهای دیگر نیز چنین بوده اند و در نتیجه توانستند در مدت ده سال پس از جنگ خود را از نو بسازند و حتی از همیشه ثروتمندتر شوند .

حتی انگلستان که در جنگ صدمات بسیار دید و پس از جنگ امپراطوری خود را از دست داد امروز از هر زمان دیگر ثروتمندتر است زیرا انگلستان از لحاظ علمی و صنعتی کشوری مترقی است و میتواند هر زیان و خسارتی را جبران کند . ایالات متحده آمریکا بعنوان غنی ترین کشور جهان معروف است . هر چند جنگ بزرگ برایش باری سنگین بود و اکنون مبالغ هنگفتی پول بکشورهای دیگر میپردازد، و فورو فراوانی فوق العاده دارد بطوریکه نمیداند با این فراوانی و با قدرت عظیم تولید چه بکند .

از طرف دیگر در مدت ده یا پانزده سال اخیر کشورهای ما یعنی کشور ما و بسیاری از کشورهای دیگر برای پیشرفت و ترقی خود بشدت در تلاش بوده اند و سخت کوشیده اند . بدون تردید پیشرفتهائی هم بدست آورده اند که گاهی درخشان و موفقیت آمیز بوده است اما واقعیت اینست که این پیشرفتهای بطور نسبی و در سنجش با ترقی و

پیشرفت کشورهای صنعتی کند بوده است. زیرا ما ناچار بوده ایم پیشرفت خود را اگر از هیچ نبوده لااقل از مراحل بسیار پائین نردبان ترقی شروع کنیم. ما ناچار بوده ایم خود را از میان بعضی سنت های ناگوار زندگی بیرون بکشیم زیرا این سنتها باروشهای کهنه پیوند دارند و روشهای کهنه هم با فقر و کمبود همراه هستند.

کشورهائی مانند انگلستان، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، آلمان، یا اتحاد شوروی از لحاظ روش سیاسی و اجتماعی هر چه باشند در هر حال آن مراحل ابتدائی را گذرانده اند. آنها در تولید صنعتی و در علوم از این مراحل گذشته اند و باین جهت تولیدشان بمقادیر زیاد و با گامهای عظیم و غول آسا پیش میرود و افزایش می یابد.

در علوم این موفقیت های عالی و درخشان را در اتحاد شوروی و در ایالات متحده می بینیم که چه کامیابیهای بزرگ در زمینه مسافرت در فضا بدست آورده اند. ممکن است این چیزها امروز بنظر ما جلوه و معنی زیاد نداشته باشد. اما این موفقیتها نشانه دست یافتن بمنابع عظیم و تازه نیروست و نیروست که موجب پیشرفت و ترقی جهان شده است. منابع تازه نیرو چه بصورت ذغال سنگ در آغاز کار، و چه به صورت برق یا نفت که بعدها مورد استفاده قرار گرفت موجب تحول زندگی شده اند زیرا منابع تازه نیرو قدرتهای تازه و امکان بکاربردن روشهای تازه را بوجود آوردند و در نتیجه آن امروز واقعیتی را که در تاریخ بسیار معروفست ملاحظه میکنیم یعنی می بینیم که «غنی غنی تر و فقیر فقیر تر میشود».



نهرودر موزه ایران باستان از آثار تمدن ایران دیدن کرد

اگر بطور عادی و نسبی بسنجیم می بینیم که در حال طبیعی کشور - های غنی غنی تر میشوند و کشور های فقیر یادر همان حال که هستند باقی میمانند و یا فقیر تر میشوند مگر آنکه اقدامی بعمل آورند که مانع این وضع شود . این موضوع در مورد افراد بشر هم قابل انطباق است . مرد ثروتمند امکان بیشتری دارد که ثروتمند تر شود در حالیکه شخص فقیر بندرت میتواند خود را از چنگال فقرش بیرون بکشد زیرا اینکار

برایش بسیار دشوار میباشد . وقتی شما ثروتی بدست آوردید میتوانید دائماً بر این ثروت خود بیفزائید و باسانی غنی تر میشوید . در داخل يك کشور نیز می بینیم ناحیه و منطقه ای که مرفه تر و پر رونق تر است زودتر و بهتر پیشرفت میکند و باسانی بر رفاه و رونقش افزوده می شود در صورتیکه برای مناطقی که کمتر مرفه و بارونق هستند پیشرفت و ترقی خیلی دشوارتر است .

بدینقرار و به سبب این زمینه و امکانات، اختلاف افزایش می یابد و تفاوت و افتراق میان ملتی با ملت دیگر یا در داخل يك ملت میان فردی با افراد دیگر یا در يك کشور میان منطقه ای با مناطق دیگر زیادتر میشود . این اتفاقها خود بخود صورت میگیرد . اگر بوضع کنونی جهان بنگریم و اجازه بدهیم نیروهای طبیعت بشکل عادی خود و بدون آنکه هیچ مداخله ای در آنها صورت گیرد عمل کنند تردید نیست که ملت های غنی و ثروتمند جهان بشکلی فوق العاده ثروتمندتر و نیرومندتر خواهند شد و ملت دیگر آهسته آهسته عقب خواهند ماند و فاصله میان آنها با ملت ثروتمندتر دائماً افزایش خواهد یافت . زیرا ملت های ثروتمند منابع و امکانات بزرگتر و غنی تری برای تحقیقات علمی و پیشرفتهای علمی در اختیار خود دارند که دیگران نمیتوانند بپای آنها برسند .

در حال حاضر میتوان گفت که در واقع پیشرفت در بعضی زمینه های علمی از پاره ای جهات عملاً فقط به دوسه ملت محدود میگردد زیرا ملت های دیگر بمنابعی که آنها در اختیار خود دارند دست نیافته اند . مسلماً دو قدرت عظیم دنیای امروز ایالات متحده آمریکا و اتحاد

شوروی هستند. شاید بتوان انگلستان و فرانسه را نیز بحساب آورد اما روشن است که پپای آن دو نمیرسند. پس می بینیم که این تفاوت میان کشورهای مترقی و کشورهای عقب مانده دائماً بیشتر میشود و نیروی آن کشورها دائماً افزایش می یابد. ولی گفتم که این چیزها در صورتی اتفاق می افتد که امور را چه از لحاظ بین المللی و چه از لحاظ ملی بحال طبیعی و دستخوش نیروهای طبیعت باقی بگذاریم. اما بطوریکه میدانیم جامعه جدید امروزی امور را بحال خود بدست حوادث رها نمیکند بلکه بمداخله میپردازد. مثلاً حکومتها دخالت میکنند تا نگذارند فقیران بوسیله ثروتمندان و گروه ها و افراد فقیر بوسیله افراد ثروتمند و کشورهای فقیر بوسیله کشورهای ثروتمند بلعیده و نابود شوند. هر کشور بمداخله میپردازد و میکوشد تا تعادلی میان این امور برقرار سازد و تا اندازه یی هم موفق میشود.

من شخصاً بعنوان کسی که درهند کار میکنم همواره مسائل مربوط بهند را دربرابر خود دارم. البته می فهمم که مسائل هر کشور با کشورهای دیگر متفاوت است. کاملاً بیجا و نادرست خواهد بود که بخواهیم کشوری را عیناً مانند کشور دیگر بشمار آوریم معیناً بعضی موارد مشترك هست که در تمام کشورهای تکامل نیافته یکسان است و بر همه ایشان منطبق میگردد همچنانکه بعضی موارد مشترك نیز هست که بر همه کشورهای تکامل یافته منطبق میشود.

اگر چند سال اخیر را کنار بگذاریم میتوان گفت که ما اقتصاد خود را تا اندازه زیاد از کشورهای غربی یعنی انگلستان و فرانسه و آمریکا اقتباس کرده ایم. اقتصادیات آمریکا یا انگلستان بر اساس

جامعه های صنعتی شده متکی است . طبعاً آنها اقتصادیات خود را موافق مقتضیات اجتماعهای خود طرح ریزی و بنام میکنند و بحل مسائل مربوط بخودشان میپردازند در حالیکه این امور با مسائل کشورهای کم رشد و تکامل نیافته کمتر شباهت دارد . فقط در سالهای اخیر کشورهای مختلف و مخصوصاً کشورهای کم رشد و تکامل نیافته متوجه شدند که باید طرح های اقتصادی خود را موافق مقتضیات خودشان تهیه کنند نه - اینکه بتقلید از آمریکا یا انگلستان یا اتحاد شوروی بپردازند . ما نمیتوانیم کارهای آنها را عیناً تقلید کنیم اما میتوانیم از کارهای دیگران درس بگیریم . ما باید مسائل خاص خودمان را در نظر بگیریم و بدون ترس و پروا راه حل هایی برای آنها پیدا کنیم و ترسیم که این مسائل را بشکلی جدی و علنی مورد بحث قرار دهیم .

امروز مسئله کشورهای کم رشد و تکامل نیافته ، موضوع بسیار پراهمیتی است . اگر بتاریخ کشورهای اروپائی بنگریم هر گز چنین مسئلهئی که مشابه با موضوع کنونی باشد پیدا نخواهیم کرد زیرا در اروپا و آمریکا جریان تغییرات و تحولات مدتی در حدود صد و پنجاه سال طول کشیده است که زمانی دراز و طولانی میباشد . بعلاوه يك عامل مشخص دیگر نیز بآن مربوط بود و آن عامل مهم این بود که در اروپا انقلاب اقتصادی پیش از انقلابهای سیاسی واقعی فرا رسید و انجام گرفت . راست است که در آنجا ها نیز تغییرات سیاسی فرا میرسد اما وقتی که از «انقلاب سیاسی واقعی» سخن میگویم منظورم حوادث انقلابی ناچیز و کم اهمیت گذشته مانند تغییر پادشاهان یا تغییر پارلمانها و نظایر

آنها نیست زیرا این قبیل چیزها انقلاب شمرده نمیشود. انقلاب سیاسی واقعی که منظور من است وقتی فرا میرسد که تمام افراد بالغ يك کشور یا بعبارت دیگر توده های افراد مردم و اکثریت عظیم ملت حق رأی بدست آورند و در امور شرکت کنند. این امر حتی در انگلستان یا آمریکا هم تا همین اواخر تحقق نیافته بود. بدین قرار است که میگویم انقلاب اقتصادی در آمریکا و در انگلستان خیلی پیش از انقلاب واقعی که قدرت را در دست توده های مردم قرار داد صورت پذیرفت. در موقعی که انقلاب سیاسی فرا رسید آمریکا بشکلی قاطع و انگلستان نیز، بصورت قدرتهای اقتصادی در آمده بودند و باین جهت میتوانند با مقتضیات و لوازم انقلاب سیاسی بدرستی روبرو شوند. اما در کشوری مانند هند جریان معکوس بوده است. مایک انقلاب سیاسی جدی پرداختیم. تمامی مردم کشور ما قدرت را بدست آوردند. هر مرد و هر زن هندی حق رأی کسب کرده اند. تمام مردان و زنان بالغ هند، چه با سواد و چه بی سواد، چه مؤمن و چه پیدین، چه در جنگل زندگی کنند و چه عضویکی از ابتدائی ترین قبایل باشند، برای خود يك رأی دارند و در حکومت سهیم هستند. برای ما فرصتی پیش آمد که چنین وضعی را بوجود آوریم و بخوبی از آن استفاده کرده ایم. ما احساس میکردیم که در برابرمان جز این راهی وجود ندارد و باین جهت در این راه پیش رفتیم و من شخصاً بسیار خوشوقتم که چنین کردیم.

اما اکنون این مسئله مطرح میشود که مردم کشور ما قدرت

کامل سیاسی را بمفهوم واقعی ودموکراتیک آن بدست آورده اند . از لحاظ سیاسی بموقعیت خود متوجه شده اند و هر روز درخواستهای سیاسی تازهیی مطرح میسازند که بمورد و بجا هم هست اما برای ما امکان بر آوردن این درخواستها وجود ندارد زیرا هنوز انقلاب اقتصادی بدرستی صورت نگرفته است .

نتیجه آنست که تصادمات و تناقضات شدید روی میدهد و مسائلی بزرگ پیش میآید . ما باید قدرت اقتصادی بدست آوریم ، باید منابع اقتصادی بدست آوریم و این چیز ها هم وقت و زمان میخواهد . ما با کمال جدیت کار میکنیم و میکوشیم اما باز هم وقت لازم است و چون انقلاب سیاسی پیشتر از انقلاب اقتصادی رویداده است درخواستها و تقاضا های آن انقلاب همواره در برابر ماهست و اوضاع تثبیت نمیشود . ملت های اروپای غربی ، در مدت صد و پنجاه سال تدریجاً اوضاع اقتصادی خود را بهتر کردند و پیش بردند و منابع اقتصادی و ثروت خود را با کار بسیار سخت و جدی مردم زیاد کردند . حتی در اوایل قرن بیستم اگر درست بیادم باشد در آمریکا بسیاری از مردم و بسیاری از کارگران در هر روز یازده ساعت کار میکردند که امروز بتصور هم در نمی آید و حتی در يك کشور کم رشد و تکامل نیافته نمیتوان چنین تصویری داشت . امروز من نمیتوانم در هند از هیچکس بخواهم که در در روز یازده ساعت کار بکند . یازده ساعت کار بسیار زیاد است اما هشت ساعت کار هم نمیتوان تقاضا کرد . در صورتیکه آمریکا ، آری کشوری غنی و ثروتمند مانند امریکا ، میتواند چنین کاری بکند .

نمیدانم حالا آنها چقدر کار میکنند و ساعات کارشان چقدر است. شاید نصف آن مقدار باشد. احتمال دارد که بزودی در ایالات متحده بسبب فراوانی محصول و ثروت در هر هفته، فقط چهار روز کار کنند و سه روز تعطیل داشته باشند. برای آنها مسائلی تازه پیش آمده است، از آنجمله مسئله ساعات بیکاری و فراغت که میدانند این ساعات فراغت خود را چگونه بگذرانند و مورد استفاده قرار دهند، اما این مطالب دیگری است که فعلا برای ما مطرح نیست.

بطوریکه گفتم ما بشکلی ناگهانی بر اثر انقلاب سیاسی بجهان امروز وارد شدیم که در آن تکامل اقتصادی در بعضی کشورها بسیار پیش رفته است و درخواستهای سیاسی مصرانه و مداوم است در حالیکه منابع ما محدود است. ما باید خیلی سخت و جدی کار کنیم تا منابع خود را افزایش دهیم و مردم خود را متقاعد سازیم که این منابع فقط با کار سخت و جدی بوجود میآید. بهر حال ما نمیتوانیم یکصد و پنجاه سال صبر کنیم تا تغییراتی که در آمریکا و انگلستان و فرانسه روی داده است در کشور ما هم صورت پذیرد و ما بمرحله امروزی آنها برسیم. زندگی نسبت به مردم خیلی سخاوتمند و با گذشت نیست. از آنجا که در طی دو بیست سال گذشته ما یا بحال سکون باقی مانده ایم یا با حرکتی بسیار آرام و ملایم پیش آمده ایم اکنون ناچاریم با سرعت خیلی بیشتر حرکت کنیم و گرنه مشکلاتی که با آن مواجه هستیم بر ما چیره خواهد شد و ما را نابود خواهد ساخت.

اگر بر ما حل مختلف پیشرفتهای اقتصادی و علمی بنگریم بعضی

کشورها را می بینیم که میتوان آنها را درزندگیشان صد درصد پیرو آداب و سنن قدیمشان نامید . شاید درواقع و عملاً دیگر درهیچ جای دنیا هیچ کشوری باین صورت وجود نداشته باشد . شاید آخرین کشوری که باین صورت و صد درصد پای بند سنتهای قدیمی خود بود، یا یکی از آخرین کشور های این نوع «تبت» بود که بکلی از سایر نواحی جهان جدا مانده بود و بهمان صورت خاص خود که دریکهزار یا دوهزار سال پیشتر داشت زندگی میکرد . اما در آنجا هم بطوری که میدانیم تغییرات با شدت و سرعت فوق العاده فرارسید .

اگر بطور کلی صحبت کنیم و این مرحله بسیار ابتدائی و صد درصد قدیمی را کنار بگذاریم میتوان دید و گفت بعضی کشورها هستند که پیشتر بسنن قدیمی خود بستگی دارند و بآرامی تحول میپذیرند و هرچند میکوشند تغییراتی را صورت دهند اما هنوز اساس زندگی ایشان بر همان بنیان قدیمی زندگی متکی است . بعضی کشورهای دیگر هستند که میکوشند سریعتر تغییر پذیرند یعنی هرچه زودتر علوم و فنون جدید را اقتباس کنند . بطوریکه میتوان گفت که در مرحله صعود ناگهانی هستند یعنی میخواهند از دوران اقتصاد آرام و کم حرکت (استاتیک) با اقتصاد متحرک و سریع (دینامیک) صعود کنند . اقتصاد متحرک و دینامیک، اقتصادی است که بخود متکی میباشد و از خود مایه میگیرد و با منابع و نیروی خود تکامل میپذیرد . در کشورهای فقیر ، اقتصاد کم حرکت و ساکن است و ناچار باید دائماً آنها را با زورپیش راند تا در آن حرکتی بوجود آید ، در صورتیکه در

کشوری نظیر آمریکا که از نظر اقتصادی پیشرفته ترین کشورهاست میتوانند با بلهانه ترین کارها بپردازند و در عین حال به نیرو و منابع خود متکی باشند. آنها ممکن است مرتکب هزاران اشتباه بشوند و در عین حال تکامل داشته باشند و سرعت پیش بروند درحالیکه ما در هند و در سایر کشورها با خردمندی خودمان بجدی ترین صورت کار میکنیم معذرا پیشرفتمان بسیار کند و آرام است.

ازین رو خط فاصله و مرز میان اقتصاد ساکن و اقتصاد متحرك موقعیست که يك اقتصاد متکی بخود بوجود میآید و از خود و منابع خود نیرو میگیرد و پیش میرود. بدیپست در این مورد خط و مرز قاطع و دقیقی وجود ندارد زیرا هر اقتصادی بتدریج باین مرحله میرسد و باین حال درمیآید.

در دنیای امروز چند کشور هستند که از این مرحله گذشته اند و بمرحله بعدی یعنی بدوران اقتصادیات متحرك و دینامیک رسیده اند. این کشورها ثروت فراوان جمع کرده اند و با صرف کردن آن با سرعت به پیش میتازند. کشورهای اروپای غربی و آمریکا و البته اتحاد شوروی باین گروه تعلق دارند که این مراحل را گذرانده اند و مدت هاست که مرحله تحول را پشت سر گذاشته اند و اکنون با کار و فعالیت خود روز بروز ثروت بیشتر فراهم میسازند و عاقبت بمرحله نهائی میرسند (که ظاهراً آمریکا بآن بسیار نزدیک است) که میزان تولیدات چنان عظیم میشود که درهمه چیز و همه جا وفور و فراوانی فوق العاده نمایان میگردد بطوریکه نمیدانند با این وفور چه بکنند.



بانو ایندیرا گاندی در میان گروهی از دختران دانشگاه تهران

در آنجا مسائلی تازه پیش می‌آید مانند مسائل تازه ساعات بیکاری و فراغت ، مسائلی که در زندگی شخصی افراد و انسان اثر میگذارد ؛

مسائلی که نه سیاست و نه اقتصاد میتواند برای آنها پاسخ نهائی پیدا کند. و اگر بخواهیم برای آن پاسخی بیابیم بآن چیزی باز میگردیم که شما، آقای رئیس، آنرا «بعضی اصول اساسی زندگی» نامیدید.

مردم می بینند که تنها وفور و فراوانی مادی کافی نیست و باید چیز دیگری هم پیدا شود و گر نه جامعه ازهم خواهد پاشید و متلاشی و نابود خواهد شد. شاید روح و فکر رو با انحطاط و زوال خواهد رفت و شاید جسم انسان نیز بعلت کثرت مراقبت رو با انحطاط و زوال خواهد نهاد.

بهر حال این مسائل فعلاً برای ایران یا هند مطرح نیست. ممکن است این مسائل برای بعضی کشورهای دیگر مطرح باشد. ما اگر راهی را که بیک اقتصاد متحرک و دینامیک منتهی شود نپذیریم و اختیار نکنیم همواره بطور نسبی فقیر و در نتیجه تیره روز خواهیم ماند و انواع مسائل تازه مارا در فشار خواهد نهاد زیرا اقتصاد ما بهر صورت که باشد در هیچ کشوری مردم در حالی که می بینند مردمان کشورهای دیگر ثروتمند هستند و زندگی مرفهی دارند نمیخواهند و تحمل نمیکند که فقیر و سیه روز بمانند. درهند طبعاً هر کس از خود میپرسد چرا من نباید يك خانه خوب یا فلان چیز خوب یا کار خوب داشته باشم؟ چرا...؟

البته میتوان در پاسخ این سؤالات توضیحاتی داد اما این توضیحات کافی و قانع کننده نیست زیرا مردم سراسر جهان خواستار يك زندگی مناسب هستند و بعضیها هم خواهان زندگی بهتر و مرفه تر

میباشند. از این رو بر اثر این سؤالات تصادمات بزرگ پیش میآید . این مسائل را نمیتوان حل کرد مگر آنکه خود ملت بسوی يك اقتصاد متحرك و دیناميك پیش برود و اگر اجازه بدهید باید بگویم که اقتصاد دیناميك این نیست که يك کارخانه در اینجا و يك کارخانه در آنجا بپا کنیم یا يك بیمارستان در اینجا و يك مدرسه در آنجا بسازیم . ساختن مدارس و دانشکده ها البته خوب است اما آنچه خیلی بیشتر لازم است چیزی است که به میلیونها مردم جان میبخشد . اگر این چیز آموزش باشد درین صورت باید آموزش وسیع و عمومی باشد که توده های مردم را در برگیرد و هر کس بتواند در آن سهم گردد و از آن بهره برگیرد . حتی نه فقط باید آموزش در دسترس همه قرار گیرد بلکه هر شخص با استعداد باید امکان آنرا بدست آورد تا هر جایی بتواند پیش برود . بگمان من ظاهراً درست نیست گفته شود مردم با هم برابر هستند . مردم از لحاظ ذکاوت یا قدرت و نیروی جسمی یا جهات دیگر با هم متفاوت میباشند اما اگر گفته شود که تمام افراد باید امکانهای متساوی داشته باشند این حرف حقیقت با ارزشی است . باید بهر کس امکان متساوی با دیگران بدهیم که با لیاقت و شایستگی خود تا هر جا که میتواند پیش برود . همچنین اگر کشوری میخواهد در علوم پیشرفت داشته باشد باید زمینه علمی نیرومندی برای خود بوجود آورد . کافی نیست که چند نفر دانشمند و عالم در دانشگاهی بنشینند و بکارهای تحقیقی بپردازند بلکه باید صد ها و هزاران نفر دانشمند و عالم و کارشناس

علمی داشت تا بتوان پیشرفتهای علمی و فنی را تحقق بخشید .
 در این مورد میتوان مثالی از کشور خودمان ذکر کنم زیرا ما
 نیز در طی سالهای اخیر با این مسئله روبرو بوده ایم . در حالیکه
 سومین برنامه پنج ساله خود را طرح و آماده میکردیم باین نتیجه
 رسیدیم که در پایان این برنامه ما به سیصد هزار مهندس نیازمندیم .
 ما در راه تهیه مهندسان کاردان در کشورمان پیشرفتهای خوب کرده ایم
 و تصور میکنم در حال حاضر یکصد هزار نفر مهندس بزرگ و کوچک
 داریم اما هنوز این مسئله در برابر ما قرار دارد که در طی چهار یا پنج
 سال آینده دویست هزار مهندس تازه پرورانیم و این خود مشکل
 بزرگی است . کار کوچکی نیست که بتوان در مقیاس کوچک و محدود
 انجام داد . باید آموزش را از هر جهت توسعه داد و نباید آنرا فقط در
 میان مردان بلکه در میان زنان نیز رواج داد زیرا در جریان توسعه و
 تکامل صنعتی و پیشرفتهای علمی نمیتوان نیمی از مردم کشور را کنار
 گذارد . در هر صورت چه بخواهیم و چه نخواهیم نیروهائی که دست
 اندر کار هستند اجازه نخواهند داد که چنین کنیم .

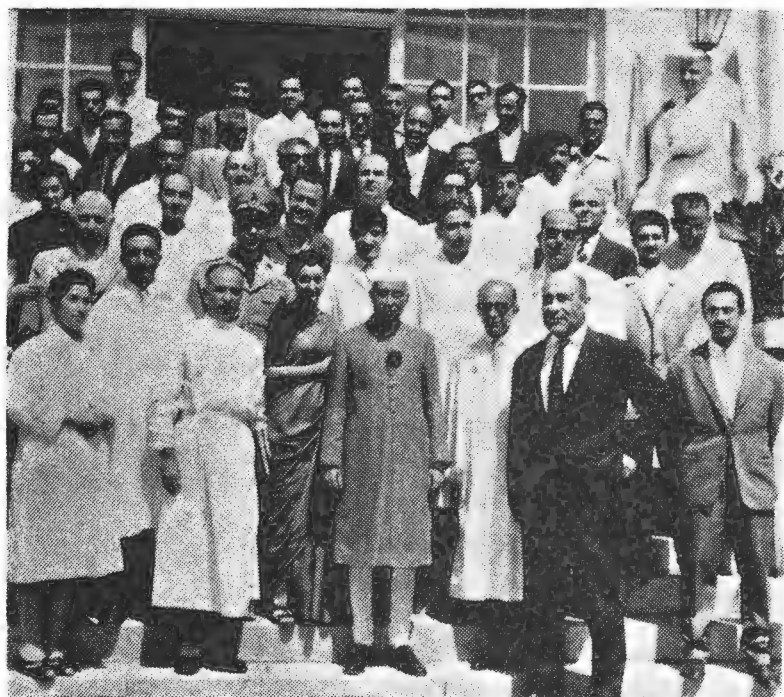
برای توسعه و تکامل صنعتی کشور باید از لحاظ علمی و از
 لحاظ آموزشی و در واقع از هر لحاظ دیگر پیشرفت کرد زیرا این امور
 بهم پیوند و بستگی دارند و بیکدیگر کمک میدهند . باین جهت
 است که طرح برنامه ضرورت پیدا میکند و ناچار میشویم امور را طوری
 تنظیم کنیم که تلاشها بیهوده در نرود و نیروها تباه نشود .
 این مسائل و هزاران مسئله دیگر در برابر ما قرار دارد که نمیتوان

آنها را نادیده گرفت زیرا همچنان که گفتم موضوع اساسی آنست که ما، یعنی دنیا، ازدوران فقر گذشته ایم و بدوران ثروت رسیده ایم. از دوران کمبود بدوران فراوانی و وفور رسیده ایم. شاید ما درهند و شما در ایران هنوز باین مراحل نرسیده ایم اما جهان غرب ازدوران کمبود بدوران وفور و فراوانی رسیده است هر چند که هنوز اقتصادیات آنها بر اساس دوران کمبود سازمان دارد. این واقعیت شگفت انگیز است که هر چند تولیدات آنها بمیزانی عظیم می باشد و ثروتی فراوان فراهم می آورد آنها طرز فکرشان هنوز کمابیش موافق مقتضیات دوران کمبود است.

بهر حال مردم بطور کلی می فهمند که باید وفور و فراوانی داشته باشند اما این موضوع که آیا میتوانند باین وفور نایل گردند یا نه خود مطلب دیگری است.

بهر صورت در کشورهای کم رشد و تکامل نیافته ما ناچاریم هر طور که هست بر روی این فاصلهئی که برای ما بوجود آمده است پلی بزیم و ازدوران کمبود بدوران وفور برسیم. این امر هم چیزی نیست که بشکلی ناگهانی فرارسد بلکه زمان می خواهد و کار جدی لازم دارد و محتاج آنست که در هر کشور درباره آن بسیار بیاندیشند و سازمانهای مناسب و دستگاه های عالی اداری بوجود آورند. درهند مادر یافته ایم که تمام آرمانهای عالی جهان اگر نتوانند بخوبی مورد استفاده قرار گیرند و از لحاظ اداری بشکلی سریع و موثر و کامل، بکار روند بیفایده خواهند بود.

اینها چیزهای اصلی است که ظاهر آهر کشور بآن احتیاج دارد



نهر و بانو ایندیرا گاندی در میان کارکنان مؤسسه علمی حصارک

و بعضی از جنبه‌ها و مظاهر مسائلی است که با آنها مواجهیم . یک سلسله مسائل دیگر هم هست که مسائل جهانی است و بدیهیست ما نیز در آنها با دیگران سهیم هستیم مانند مسئله جنگ و صلح . زیرا اگر جنگی پیش آید تمام بر نامه‌های ما بر باد میرود و تمامی دنیا نابود خواهد شد . بسیاری از شما پیادارید که در دورانهای سابق یک نوع تعادل قوا و چیزهایی از این قبیل وجود داشت و میدانید که چگونه ملت‌ها می‌کوشیدند خودشان را از آن راه‌ها بایکدیگر متعادل سازند . اما بعدها یک نوع

تبادل تازه بجای تعادل‌های سابق پیدا شده است که تعادل وحشت و ترس می‌باشد . وحشت از بمب‌های اتمی و هیدروژنی ، ترس از جنگ ، و ترس از اینکه ناگهان دشمنی ما را نابود سازد . عملاً زندگی ما در آستانهٔ وحشت و ترس میگذرد و این وضع هم هیچ خوب نیست . وقتیکه چنین وضعی پیش آمده است چاره‌ئی نیست جز آنکه راهی برای خروج از آن پیدا شود و مسلماً جنگ چنین راهی نیست .

این معنی چنان نمایان است که هر کس در هر کشور آنرا قبول دارد اکنون در همه جا مساعی فراوان بکار می‌رود تا راه حلی پیدا شود . باید امیدوار بود که این تلاشها البته نه بشکل ناگهانی که تصور نا پذیر است ، اما بشکلی تدریجی ، بموفقیت بیانجامد و ما را از جنگ اضطرابها و بحرانیهای بین‌المللی رها سازد تا بتوان منابع جهان را برای تکامل و پیشرفت مناطق کم رشد و تکامل نیافتهٔ جهان مصرف کرد و اقتصاد و زندگی آنها را بصورت متحرک و دینامیک درآورد . از اینرو باید کلمات یکی از حکمای قدیم را تکرار کنیم که : « درود و رحمت بر سازندگان صلح ، در هر جا که هستند . »

جناب آقای رئیس !

من جسارت ورزیدم که بعضی مطالب را که در ذهن دارم و پیوسته مرا بخود مشغول میدارد در اینجام طرح سازم . من برای بسیاری از این سئوالها و مسائل پاسخی ندارم . این مسائل را از آنجهت در برابر شما مطرح ساختم که پاسخ آنها فقط باید از راه آزمایش و سنجش و اشتباهها و حتی شکستها و ناکامیهای مکرر بدست آید . این مسائلی است که مسلماً دانشگاهها

باید دربارهٔ آنها بیان‌دیشند و سیاستمداران و کسانی را که بیشتر با این مسائل سروکار دارند راهنمایی کنند.

در عین حال بخوبی می‌فهمم که تمام علوم و تمام صنایع در این دنیای پهناور نمیتواند ملتی را نجات دهد و موجب یاری باشد مگر آنکه آن ملت بعضی اصول اساسی ارزشهای انسانی را محترم بدارد و دنبال کند اما اینکه چگونه میتواند ترکیبی از این دو بوجود آورد خود یکی از مسائل بزرگ زمان ماست که باید امیدوار بود دانشگاه‌های ما بتوانند به حل آن یاری کنند.

در پایان، آقای رئیس محترم دانشگاه، یکبار دیگر از این افتخاری که بمن بخشیده‌اند سپاسگزاری میکنم.



نهر و دکتر اقبال در دانشگاه تهران

۶

مصاحبه در تلویزیون ایران

عصر روز ۲۸ شهریور آقای نهرو بدعوت
مؤسسه تلویزیون ایران در يك برنامه مصاحبه
تلویزیونی شرکت کرد و به سؤالاتی که از طرف
آقای ثابت صاحب مؤسسه تلویزیون ایران مطرح
گشت پاسخ گفت.

سؤالات بزبان فارسی مطرح میشد و آقای
نهرو بزبان انگلیسی پاسخ میداد و سؤالات و جوابها
بوسیله مترجم ترجمه میشد.

پرسش : برای صلح جهان چه اقداماتی باید صورت گیرد ؟
پاسخ : پیش از پاسخ باین سؤال میخواهم تشکرات صمیمانه وعمیق خود را به حکومت وبمردم ایران و مخصوصاً به تهرانیها بخاطر میهمان نوازی ومحببتشان تقدیم دارم. من بشدت تحت تأثیر احساسات صمیمانه مردم کوچوخیابان قرار گرفتم که هر چند مرا نمیشناختند بچشم دوستی بمن مینگریستند.

اما در باره این سؤال باید بگویم که لازمست علل جنگ از میان برود. میدانم که این پاسخ کافی نیست اما چه میتوان گفت ؟ جنگ نتیجه کینه ونفرت ، نتیجه ترس ، ونتیجه میل و حرص بعضی ملتها برای تسلط بر مردمان دیگر وسرزمین های دیگرانست. این قبیل چیزها باید ازمیان برود. درعین حال باید فهمید و قبول کرد که امروز جنگ يك حماقت محض است که هیچ طرف از آن سود نخواهد برد. زیان وسپه روزی جنگ برای همه کس میباشد. و این مطلب باید خوب فهمیده شود. اما بدیهیست که فهم این مطلب وقت لازم دارد.

ترس موجب اعمال زشت وناپسند میشود. ترس مصاحب ورفیق بدیست. باید ترس را ازمیان برد. وقتی که علل جنگ ازمیان برود طبعاً مردم میتوانند زندگی بهتری داشته باشند. بدیهیست که آنچه گفتم پاسخ يك سیاستمدار نیست.

پرسش : عقیده جنابعالی دربارهٔ توسعهٔ روابط میان ایران و هند چیست ؟

پاسخ : روابط میان دو کشور، مخصوصاً دو کشور ما ، باید اولاً از نظر ادامهٔ رشته‌های قدیمی و ثانیاً از نظر توسعهٔ روابط کنونی مورد ملاحظه قرار گیرد .

در مورد ادامهٔ ارتباطات قدیمی باید بکوشیم روابط قدیمی را محفوظ نگاه داریم و آنها را مخصوصاً در زمینه‌های فرهنگی توسعه و افزایش دهیم. باید دانشجویانی از هند بایران بیایند و از ایران به هند بروند و مخصوصاً استادان میان دو کشور مبادله شوند . هر دو ملت باید زبان یکدیگر را بهتر بیاموزند . بدیهیست روابط بازرگانی هم اهمیت دارد و باید توسعه پذیرد .

بالاخره باید باهم بخاطر صلح و همکاری میان ملت‌ها کار کنیم.
پرسش : آیا تصور میفرمائید روزی فرا خواهد رسید که جنگ بکلی از میان برود ؟

پاسخ : من فکر می‌کنم که چنین روزی باید فرا رسد. اکنون فقط دوره وجود دارد. یا مردم باید آنقدر فهم و صمیمیت داشته باشند که بجنگ پایان دهند ، یا در غیر این صورت جنگ بحیات تمام مردم پایان خواهد داد.

پرسش : سفر شما بایران بسیار کوتاه بود. آیا تصور میفرمائید که دوباره بکشور ما بیائید تا مردم شهرستان‌های ایران هم توفیق دیدار جنابعالی را پیدا کنند؟

پاسخ : امیدوارم بتوانم دوباره بایران بیایم . اما قول دادن کار دشواریست . من بایران پیوسته هستم و آرزو مندم که بتوانم دوباره باین کشور بیایم .

پرسش : کشور جنابعالی در صنایع و مخصوصاً در صنایع کوچک و بزرگ ترقی بسیار کرده است . آیا تصویر میفرمائید بتوانید در این مورد بجا کمک دهید ؟

پاسخ : هر کشوری میتواند از دیگران درس بیاموزد اما باید خودش نیز بکوشد . هند بسیاری چیزها را از اروپا ، از آسیا و از آمریکا آموخته است . اما بار واقعی کار بر شانه های خودش میباشد . امیدوارم ما هم بتوانیم بشما کمک دهیم .



نہرو وبانو ایشدیرا گادی در شہری

در اجتماع انجمن ایران و هند

بعد از ظهر روز ۲۹ شهریور آقای نهر
باتفاق بانو ایندیپرا گاندی در جلسه‌ئی که از
اعضای انجمن ایران و هند و شخصیت‌های ممتاز
تهران در تالار فرهنگ تشکیل گردید حضور یافتند.
آقای نهر و ساعتی قبل از سفر کوتاهی که
باهواپیما بشیراز و تخت جمشید انجام داد به تهران
وارد شده بود.

در این جلسه ابتدا سناتور دکتر متین
دفتری رئیس انجمن ایران و هند خطابه‌ئی بزبان
انگلیسی خطاب با آقای نهر و قرائت کرد و سپس
آقای نهر و سخنرانی پرداخت که بزبان انگلیسی
بود و در همان تالار بوسیله آقای گرداری لعل‌تیکو
قسمت بقسمت ترجمه شد.

ترجمه متن کامل این نطق نیز در شماره
آذرماه ۱۳۳۸ (شماره ۹) مجله گرامی «سخن»
انتشار یافته است.

اینک ترجمه متن کامل آن خطابه و آن
سخنرانی در اینجانب نقل میشود:

خطابه دکتر متین دفتری

عالیجنابان ، بانوان و آقایان محترم !
برای عرض خیر مقدم بجناب عالی ، آقای نخست وزیر ، از کلماتی
الهام میگیرم که رئیس جمهوری شما هنگام مسافرت اعلیحضرت
شاهنشاه بکشورتان بیان داشتند. ایشان فرمودند «وقتی که اعلیحضرت
شمارا امروز در میان خود می بینیم چنین احساس میکنیم که انگار
اعضای خانواده‌ئی پس از سالیان دراز جدائی یکدیگر را باز می یابند
و می بینند .»

امروز اینجا در ایران نیز وقتی که ما شمارا در میان خود می بینیم
احساس میکنیم که یکبار دیگر چنین ملاقات و دیداری ، البته نه پس
از جدائی ممتد و طولانی ، روی داده است .

برای تاریخ نویسان و محققان ممکن است روابط ایران و هند
يك موضوع تاریخی و محتاج تحقیق و تتبع باشد اما برای همه ما ،
اعضای انجمن هند و ایران این امر واقعیتی زنده میباشد . در هیچ
دورانی از تاریخ هند و ایران این دو کشور از یکدیگر جدا نبوده اند ،
در هیچ مرحله موانع سیاسی ، مادی یا اقتصادی مانع تفوذهای متقابل
دو فرهنگ در یکدیگر نبوده است .

از زمانی پیش از دوران هخامنشیان تا امروز مبادله افکار و تفوذهای

گوناگون بشکلی پایان ناپذیر ادامه داشته است . حتی دردوران های اخیر بخاطر داریم که مبارزان آزادی هند نظیر «سردار آجیت سینگ» و «صوفی آمبا پرشاد» پیش از نخستین جنگ جهانی به ایران آمدند در حالیکه مردانی مانند «مؤیدالاسلام» مبارزه بخاطر آزادی ایران را از کلکته دنبال میکردند .

اکنون میخواهم تاریخی از این انجمن را باختصار بیان کنم که در سال ۱۹۴۹ تشکیل گردید تا روابط دو کشور را استوارتر سازد.

انجمن در این مدت بسیار فعال بوده است . سخنرانیهای دربارهٔ جهات مشترك فرهنگ دو کشور برپا میشده است و سخنوران ممتازی از هر دو کشور دعوت میشده اند در این زمینه ها سخن بگویند . پس از تأسیس واستقرار انجمن ومخصوصاً بر اثر مسافرت اعلیحضرت همایونی بهند يك موافقتنامهٔ فرهنگی نیز میان دو حکومت بامضاء رسید . دانشجویان واستادان میان هر دو کشور مبادله میشوند . هم اکنون يك پروفیسور زبان سانسکریت در دانشگاه تهران تدریس میکند و کرسیهای تدریس زبان فارسی در دانشگاههای دهلی ، علیگر ، کلکته حیدرآباد ، پاتنا ، پنجاب و کشمیر دایر شده است ، کلاسهای تدریس زبان هندی از سال تحصیلی کنونی در دانشگاه تهران تأسیس میشود وما از حکومت هند سپاسگزاریم که استادی برای تدریس زبان هندی تعیین کرده است .

جناب آقای نخست وزیر!

ما خوب میدانیم که زبان فارسی در کشور شما رواج ومحبوبیت

فراوان دارد. معینا تصور میکنم که باید توجه بیشتری بزبان تازه ایران مبذول گردد و تدارکات علمی بیشتر برای تعلیم این زبان درهند فراهم شود. برای این منظور باید تعداد بیشتری دانشجویان و محققان بکشور شما بروند.

ما افتخار داریم که در دوران تاریخ اخیر «رابیندرانات تاگور» و «مولانا ابوالکلام آزاد» و «بانو ویدیا لکشمی پاندیت» و «دکتر سید محمود» و چند شخصیت دیگر را در ایران پذیرائی کرده ایم و امروز نیز جناب عالی و رئیس ممتاز و محترم کنگره ملی هند شریما تی ایندیرا-گاندی را در میان خود می بینیم.

ما نه فقط بجناب عالی بعنوان رئیس حکومت کشوری بزرگ خیرمقدم میگوئیم بلکه درعین حال شمارا يك آسیائی بزرگ میدانیم که سهمی عظیم و نمایان در مبارزه بر ضد استعمار داشته است و بطور مداوم بعنوان پیرو وفادار و ثابت قدم مهاتما گاندی در راه کمک بمردمی که در راه آزادی خود مبارزه کرده اند و میکنند در تلاش بوده و هست.

وقتی که به پشت سر و بر روابط طولانی و نزدیک فرهنگی دو کشور خود بنگریم مسافرت این چند شخصیت ممتاز بکشور ما خیلی کم بنظر میآید. ایران همسایه دیوار بدیوار هند است و ما انتظار داریم هندیان بیشتری باین کشور بیایند و ایرانیان بیشتر بکشور شما سفر کنند.

در حالیکه يك جامعه مترقی و مرفه از ایرانیان در هند زندگی

میکنند و همچنین يك جامعه بسیار مرفه و فعال از بازار گانان هندی در ایران هستند تعجب آور است که دید و بازدید محققان معروف و کارشناسان فنی از کشور های یکدیگر تا این اندازه محدود مانده باشد .

امیدوارم که اکنون پس از مسافرت جناب عالی باین کشور، آن جناب بعنوان نخست وزیر و شریماتی ایندیرا گاندی بعنوان رئیس مهمترین حزب سیاسی هند مراقبت خواهید فرمود تا رهبران و محققان و دانشمندان و شاعران و هنرمندان و ورزشکاران بیشتر از این کشور دیدن کنند .

با همین چند کلمه اجازه می خواهم درخواست کنم که برای اجتماعی که مشتاقانه در انتظار شنیدن سخنان جناب عالی هستند بیاناتی بفرمائید .

گفتار نهر و

آقای رئیس ودوستان گرامی !

سفر چهار روزه ما بایران بزودی پایان میرسد و تصور میکنم که این آخرین مراسم عمومی باشد که ما در آن شرکت میکنیم زیرا فردا صبح زود حرکت خواهیم کرد .

گمان میکنم بسیار شایسته است که این آخرین جلسه بوسیله انجمن ایران و هند تشکیل شده است که در آن باید درباره تماسهای گذشته و حال ودوستی میان ایران و هند تأکید کرد . از این موضوع بسیار خوشوقتم زیرا شاید تا اندازه یی این آخرین جلسه وهدفی که در آن وجود دارد خود تأکید است در مورد چیزی که باید مورد توجه ما باشد و من هم بهمان منظور بایران آمدم . من بایران نیامدم تا هیچ مسئله خاصی را میان ایران و هند مورد بحث قرار دهم . من از آنجهت باینجا نیامدم که تصادمات و اختلافاتی میان دو کشور ما وجود دارد . همچنین من برای آن نیامدم که بحث در باره مسائل خاصی پردازم که چیزی را تغییر دهم . این مسائل گاه بگاه بوسیله نمایندگان حکومتهای ما و بموقع خود مورد بحث قرار میگیرد . پس من برای چه بایران آمدم ؟

در تجزیه و تحلیل نهائی در واقع من از آن جهت باینجا آمدم که میل داشته‌ام روابط ایران و هند و دوستی میان این دو کشور تشویق و تقویت شود .

من امیدوارم و اعتقاد دارم که به هدف واقعی سفر من که بآن اشاره کردم تا اندازه یی خدمت شده باشد زیرا از یکطرف مسافرت من چنین فرصتی پیش آورد و از جهت دیگر مخصوصاً مهربانی و میهمان نوازی و دوستی که مردم ایران نسبت بما ، پیام‌آوران دوستی و حسن نیت، نشان دادند چنین نتایجی بیارمیاورد . مسلماً چنین است و ما در مدت همین چهار روز احساسات بسیاری که ناشی از چنین عواطفی بوده است شنیده ایم و دیده ایم .

بدیهیست بیان احساسات دوستانه بسیار خوب است اما اجرا کردن و اندیشه‌آنکه چگونه میتوان این احساسات را تحقق بخشید خیلی بهتر است

شما ، آقای رئیس ، هم اکنون در سخنان خود در باره ضرورت اقدام برای تحقق این احساسات اشاره کردید . در میان چیز های مختلف متذکر گشتید که بجاست اطلاعات دولت از یکدیگر افزایش یابد و تسهیلاتی برای توسعه آموزش زبان فارسی در هند بوجود آید . اجازه میخواهم بگویم که من کاملاً با شما موافقت دارم و باید در این زمینه کوششهای جدی و فراوان صورت پذیرد زیرا زبان در ارتباط ملتها عامل بسیار مهمی است . روشن است که نمیتوان انتظار داشت که توده های مردم کشوری زبان دیگران را بیاموزند . این امر

خیلی دشوار مینماید اما میتوان انتظار داشت و کوتید که تعداد قابل ملاحظه‌ئی از مردم زبان های دیگر را بیاموزند و در میان این زبانهای دیگر مخصوصاً برای هند زبان فارسی بیشتر بذهن میآید زیرا این زبان در زبانهای ما اثر بسیار داشته است بطوریکه خود قسمتی از تار و پود زبان ما گشته است. این وضع وجود دارد و بنابراین باید بتوسعه تعلیم زبان پرداخت حتی اگر فقط این آموزش بگروهی محدود از اشخاص یعنی روشنفکران و طبقه تحصیلکرده و کسانی که بادیات و نظایر آن علاقمند باشند محدود گردد. این قبیل چیزها با اعماق روح مردم بستگی پیدا میکند مخصوصاً که این زبان برای ما چیز تازه‌ئی نیست و ادامه جریانی قدیمیست.

اکنون راههای گوناگون برای آموزش زبان وجود دارد که باید مورد تشویق قرار گیرد. برای این منظور میتوان یکی از راه آموزش مستقیم زبانها عمل کرد تا مردم کشور ما زبان فارسی را بیاموزند و مردم کشور شما زبان ما را یاد بگیرند.

راه دیگر کمابیش غیر مستقیم است و باید کوششهایی بعمل آورد تا کتابهای بسیار از زبانی بزبان دیگر ترجمه شود. این امر تأثیر وسیعتری بوجود میآورد زیرا تعداد بیشتری خواننده پیدا خواهد شد و خیال میکنم باید این کار انجام گیرد.

شاید بعضی از شما بدانید که من این افتخار را دارم که رئیس سازمانی هستم که «سایتیا آکادمی» یعنی «فرهنگستان ملی ادبیات هند» نام دارد و ما مخصوصاً بترجمه کتابها از زبانی بزبان

های دیگر و کتابهای مشهور جهان بزبانهای مختلف خودمان توجه مخصوص داریم . در این زمینه ما مقداری از کتابهای معروف را که بزبان فارسی هستند ترجمه کرده ایم و این کار را دنبال خواهیم کرد . آقای رئیس ، درحالی که با آنچه شما گفتید موافقت دارم میخواهم بیک مشکل که دربرابر ما هست اشاره کنم . شاید هم «مشکل» کلمه صحیحی برای بیان منظور من نباشد . دیروز در دانشگاه تهران در باره اجتماعی سخن میگفتم که بسنن گذشته خود متکی است و در عین حال ناچار است با مسائلی که دنیای امروز پیش میآورد مواجه شود و یادآور شدم که چگونه مراحل مختلفی در اجتماعات متکی بسنن قدیمی وجود دارد که میکوشند خود را با دنیای تازه علوم و فنون منطبق سازند . اکنون فکر میکنم که ایران و هند دو کشوری هستند که از نظر سنت های قدیمی بگذشته خود بسیار مربوط بوده اند و میباشند . ریشه های سنن این دولت در اعماق دوردست تاریخ میباشند .

همین امروز چند ساعت پیش من از شیراز دیدن کردم و از آنجا بتخت جمشید رفتم . در شیراز بسیاری چیز ها مرا مجذوب ساخت . نام شیراز از روزگاری که کودکی خردسال بودم برایم آشنا بود اما شیراز را بیش از هر چیز بعنوان شهر دو شاعر مشهور «سعدی» و «حافظ» میشناختم . دیدن شیراز خاطرات کهن را بپادم آورد . از آنجا به تخت جمشید رفتم و خرابه های پرشکوه آن دوران درخشان تاریخ گذشته ایران را دیدم . چنین دیدارها و چنین آثار همیشه دورنما



نهر و همراهانش در تخت جمشید

های تاریخی و نشیب و فرازهای دولت‌ها و ملت‌ها را بذهن می‌آورد و بدین‌قرار اکنون نیز ذهنم از این اندیشه‌ها پر است

من دیدم و متوجه شدم - همچنانکه اغلب در هند نیز متوجه میشوم - سنت‌هایی که تاریخ هند و ایران را بوجود آورده است یاد هر يك از این دو کشور اثر داشته است تاچه اندازه قدیمی و استوار می‌باشد و بهمین جهت است که گفتم این دو کشور بشدت تحت تأثیر سنت‌های کهن خود هستند. هر چه این سنت‌ها نیرومندتر باشد نتایج نيك یا بدی هم که ممکن است داشته باشد بیشتر و شدیدتر خواهد بود. گفتم که بارسنگین سنن گذشته باستانی، هم خوب است و هم گاهی کمی بد. «خوب» است زیرا فرهنگ يك ملت و يك جامعه یا يك فرد را غنی می‌سازد. «بد» است اگر فشار آن مانع پیشرفت و تحول گردد و از جهتی دست و پا گیر ما شود و در این دنیائی که دائماً در حال تغییر است مانع تغییر و تکامل باشد.

در این دنیا عوامل بسیار پیوسته دست اندر کارند و تغییراتی بوجود می‌آورند که گاهی سرعت آنها بیشتر است و گاهی کندتر اما اصولاً میتوان دید که در زندگی جامعه بشری دو عامل عمده تسلط دارد که یکی «مداومت» میباشد و دیگری «تغییر».

ظاهراً «مداومت» و «تغییر» دو عامل متضاد بنظر می‌آیند. اگر «مداومت» بکلی ازمیان برود بسیاری از آنچه جامعه بشری در روزگار آن گذشته گرد آورده از دست خواهد رفت. بدینقرار عدم مداومت چیزی زیان بار است. از سوی دیگر مردمی که بسنت‌های گذشته می‌چسبند و تغییرات تازه را نمی‌پذیرند جامعه‌ی بوجود می‌آورند که نمیتواند با جهان دائم التغییر هم‌قدم باشد. در صورتیکه در این دنیا چه در زندگی فرد

وچه برای جماعات، چه برای يك ملت وچه برای تمامی جهان تغییر دائمی عاملیست اصلی. در این دنیا هیچ چیز تغییر ناپذیر وجود ندارد. من پایان کار و عاقبت نهائی امور کاری ندارم بلکه منظورم همین جامعه بشری است با همین صورتی که دیده میشود.

من می بینم که افراد تغییر میکنند و سازمانهای اجتماعی تغییر میکنند. بدینقرار جامعه هم ناچار است خود را بادنیای متغیر متناسب کند در غیر اینصورت عقب میماند و این خطر برایش وجود دارد که بحالت جمود و انحطاط درآید.

بدینقرار این هر دو امر یعنی هم «مداومت» و هم «تغییر» چه بپسندیم وچه نپسندیم ضرورت دارد. حتی وقتی که انقلابهای بزرگ روی مینماید و بظاهر مداومت وضع زندگی يك جامعه را در هم میشکند بزودی پس از انقلاب میکوشند که بعقب باز گردند ورشته های قدیمی را که بزندگی ملی مداومت مینخشد باز یابند زیرا اگر مداومت بکلی قطع شود سازمان اجتماعی بی ریشه میماند و ریشه های ممتدی که از گذشته وجود دارد از میان میرود و چون ریشهائی وجود ندارد رو بخشکی خواهد نهاد مگر آنکه ریشه های خود را باز یابد.

پس «مداومت» ضرورت دارد و خواه ناخواه صورت میپذیرد. بهمین قرار «تغییر» نیز ضرورت دارد زیرا زندگی بدون تغییر حیات را از سازمان اجتماعی زایل میسازد و آنرا خشک و بیحرکت میکند. اکنون تکرار میکنم که هند و ایران بشدت تحت تأثیر سنن

قدیمی خود بوده اند و باید با مسائل دنیای کنونی که بسرعت تغییر می پذیرد مواجه شوند . امروز تغییرات سریعی روی میدهد که فقط در زمینه سیاسی که زمینه بسیار کوچک و محدودیست نمیباشد بلکه اساس زندگی انسان را دگرگون میسازد . تغییراتی که بر اثر پیشرفت های حیرت انگیز علمی و اکتشافات فنی صورت میگیرد زندگی ما را بکلی عوض میکند و نه فقط زندگی ما بلکه سیاست ما ، اقتصاد ما و دستگاه و سازمان اجتماعی ما را دگرگون میسازد .

هر مسئله که پیش میآید خود يك تغییر است . بدیهیست که تغییرات سطحی بحساب نمیآید و ارزش ندارد . می بینیم که امروز اروپا و آمریکا مظهر عالیترین درجات تکامل علمی و فنی میباشند . اما ، اگر اجازه بدهید بگویم ، اگر مثلاً غذای اروپائی و لباس اروپائی یا روشهای دیگر اروپائی را اقتباس کنیم این تغییرات بسیار سطحی و ناچیز است . این چیزها اروپا را بزرگ ساخته است بلکه « اندیشه » اروپاست که آنرا بزرگ ساخته است ، روح ابتکار و اختراع و ابداع اروپا و آمریکاست که آنها را بزرگ ساخته است . علوم و فنون اروپاست که آنرا بزرگ ساخته است نه چیز های کوچک سطحی که تقلید از آن بسیار آسان است .

همین وضع خاص و همین مسئله بزرگ است که ما باید با آن مواجه شویم و خود را با آن منطبق سازیم زیرا تردید نیست که اگر ما خود را با علوم و فنون جدید همقدم نسازیم بصورتی بیحرکت

در خواهیم آمد و حتی سنتهای ما که برای خودمان بسیار خوب است بصورت دستوپا گیری درمیآید که مانع پیشرفتمان خواهد شد .

بسبب همین مسائل خطیر زمان حاضر است که در هند ماراهی پیش گرفته ایم که با راه سنتهای قدیمی بسیار تفاوت دارد . ما میخواهیم خود را از کوره راههای قدیمی که در آن مانده بودیم بیرون بکشیم و بهمین جهت امروز تمام توجه خود را بعلوم و فنون معطوف میسازیم و میکوشیم ده ها هزار مهندس و متخصص فنی و کاردان آشنا بعلوم و فنون جدید پرورانیم .

در زمانهای گذشته دانشجویان ما اغلب بمطالعه ادبیات - ادبیات هندی، ادبیات اروپائی، یا ادبیات دیگر - میپرداختند و موقعیکه به اروپا میرفتند این قبیل رشته ها یا رشته های حقوق را تحصیل میکردند اما امروز هزاران هزار دانشجوی هندی بکشور های خارج میروند تا علوم را بیاموزند و مهندسی و کارهای فنی و رموز علم و دانش جدید را یاد بگیرند . هندی ها امروز از تمام درجات برای این منظور ها بخارج میروند و نه فقط بدانشگاه ها بلکه بکارخانه ها و کارگاهها فرستاده میشوند تا کارگران متخصص و کارشناس بشوند زیرا هند امروز خوب متوجه شده است که باید علوم جدید را مسخر سازد و درک کند و روشهای تازه را بکار بندد تا بتواند در این دنیای تازه همقدم دیگران باشد و برابر با دیگران بشمار آید .

اگر ما در علوم و فنون پیشرفت نداشته باشیم نخواهیم توانست با دیگران همراه و همقدم گردیم .

اکنون پس از این مقدمه ممتد بموضوع اولی خود بر میگردم و باین جهت بود که آقای رئیس، گفتم مشکلی در برابر ما قرار دارد و آن مشکل اینست که باید ذهن مردم خود را بسوی علوم متوجه سازیم زیرا بدیهیست طبعاً مردم بسیاری هستند که به ادبیات میپردازند و اینراه را دنبال میکنند .

امیدوارم ایران دهند بتوانند تعادلی میان مداومت سنن گذشته و ضرورت تغییرات بوجود آورند و امیدوارم بتوانند تمام آنچه را در این سنن زیباست محفوظ نگاه دارند و در عین حال بتوانند تغییراتی را که بر اثر علوم و فنون تازه روی داده است بپذیرند و باین ترتیب بزندگی در زمان حال قدم گذارند و فقط با رؤیا های گذشته زندگی نکنند زیرا این هردو لازم و ضروری است .

وظیفه من نیست که براهنمائی کسی یا کشوری بپردازم . زیرا من اعتقاد دارم که هر کشور باید خود برای حل مسائل و مشکلاتش بیندیشد . هیچ کشوری نمیتواند برای کشوری دیگر چاره اندیشی کند . در دوران های گذشته بسیاری از مسائل آسیا بوسیله اروپائیان و آمریکائیان و نظایر ایشان حل و فصل میشد . آنها خیلی لطف داشتند که این زحمت را قبول میکردند و گاهی میتوانستیم از این چاره اندیشی آنها سود ببریم اما اصولاً و اساساً من فکر میکنم که هر قدر هم آنها شایسته باشند اشخاص مناسبی نیستند که کلیدی برای حل مشکلات ما پیدا کنند . کلید فقط بوسیله خود مردم پیدا میشود . البته ما باید از افکار مردم دیگر و تجارب دیگران استفاده

کنیم . من یقین دارم هر دو کشور ما خواهند توانست برای مسائل انقلابی که کشورهای ما و تمام جهان امروز با آن مواجه هستند راه حل بیابند . اما این راه حلها بوسیله راحت طلبی و اجتناب از مسائل پیدا نخواهد شد . اگر ما درباره مسائل نیاندیشیم یا گفتگو نکنیم مشکلات از میان نخواهند رفت و اهمیت خود را از دست نخواهند داد بلکه برعکس اگر مشکلات مورد غفلت قرار گیرند بتدریج مهمتر و بزرگتر میشوند تا بجائی که ممکن است بر سر شخص غفلت زده فروریزند و او را نابود سازند .

امیدوارم آقای رئیس و دوستان گرامی مرا ببخشید که با این لحن شاید جدی تر از آنچه باید در چنین موقعی سخن گفت حرف زدم . این قبیل فرصتها اغلب برای آنست که در باره روابط دوستی و حسن ارتباط و تماسهای میان دو کشور صحبت شود . ما با این موضوع موافقیم و ما هم میتوانیم همین احساسات و حرفها را تکرار کنیم اما دوستی اقتضا دارد که فقط بسطح اشیاء نپردازیم و بتکرار حرفهای سطحی قناعت نکنیم و از اینرو بخود اجازه دادیم که بعضی جنبه های مسائلی را که در ذهنم وجود دارد در برابر شما مطرح سازم و باز هم امیدوارم که مرا ببخشید .

آقای رئیس مجدداً از خیر مقدم لطف آمیز شما سپاسگزارم و امیدوارم که انجمن ایران و هند در آینده پیشرفت و موفقیت بسیار داشته باشد یعنی بتواند کشور های ما و مردم ما را بیش از پیش بیکدیگر نزدیک سازد .



مصاحبه مطبوعاتی نهر و در کاخ صاحبقرانیه

مصاحبه مطبوعاتی در کاخ صاحبقرانیه

بامداد روز ۳۰ شهریور، پیش از عزیمت آقای نهر و بفرو دگاه مهر آباد جلسه‌ای با شرکت مدیران و خیر گزان روز نامه‌ها و مطبوعات تهران و خیر گزاریهای خارجی در کاخ صاحبقرانیه تشکیل شد.

در این جلسه ابتدا آقای سناتور عباس مسعودی صاحب مؤسسه اطلاعات از طرف جامعه مطبوعات با آقای نهر و خوشامد گفت و از ایشان برای تشکیل کنفرانس مطبوعاتی سپاسگزاری کرد و آلبومی محتوی عکسهای مسافرت آقای نهر و را بایشان هدیه داد. سپس مصاحبه مطبوعاتی آغاز گردید که پرسش‌ها ب زبان فارسی و انگلیسی بود و پاسخ‌های آقای نهر و ب زبان انگلیسی داده میشد و بوسیله مترجمی ترجمه میگشت.

پرسش : آیا جناب عالی از سفر خود بایران تاجه اندازه نتیجه گرفتید؟

پاسخ : اندازه گیری نتایج چنین مسافرتی غیر ممکن است زیرا این قبیل نتایج دقیقاً سنجش پذیر نیست. نتیجه ئی که کاملاً نمایانست علاقه فراوان هند بایران و ایران به هند میباشد. هند بچیزهای دیگر نیز علاقمند است و ما میکوشیم مسائل کشورهای دیگر را نیز درك کنیم.

پرسش : آقای نخست وزیر ممکن است عقیده جناب عالی را درباره «سنتو» پیرسم ؟

پاسخ : «عقیده» ئی در این باره وجود ندارد. من همیشه ازین قبیل پیمانها دوری جسته ام. «سنتو» يك تغییر نام است (برای پیمان بغداد). تنها تغییر نام هیچ تفاوتی بوجود نمی آورد. این پیمانها در حقیقت برای منظورهائی که بر جود می آید مفید نیست و بکار نمیرود. منظور از این پیمانها امنیت است. نمیگویم که در گذشته چنین پیمانهای لازم نبود اما اکنون اوضاع تغییر یافته است. برآستی این پیمانها برای هیچ منظور مفیدی بکار نمیرود. اما این نظر شخصی من است. هر کشور باید خود در این مورد تصمیم بگیرد.

پرسش : جناب آقای نخست وزیر، با توجه به حوادث اخیر یعنی

مسئلهٔ ثبت ودالاتی لاما و درعین حال هواداری شما از ورود چین به سازمان ملل متحد ممکن است پرسید که آیا میتوان سیاست جنابعالی را بیطرفی مثبت نامید؟

پاسخ: سیاست ما یعنی سیاست اساسی مانپیوستن بدسته بندیها، یعنی نیپیوستن باتحادیه های نظامی و سعی در توسعه دوستی با تمام کشورهاست. مفهوم این سیاست صرفنظر کردن ازمنافع خودمان درهیچ امرمهم ودرمقابل هر درخواست نمیباشد. این سیاست همچنان مانند سابق وبدون توجه بآنچه درثبت یا چین روی داده است ادامه خواهد داشت.

پرسش: با روی دادن وقایع اخیر در شمال هند و در استان کرالا (در داخل هند) آیا نظر جنابعالی دربارهٔ همزیستی چیست؟

پاسخ: درست همانست که بود. زیرا سوء استعمال همزیستی یا عدم اجرای آن از طرف بعضی اشخاص یا بعضی کشورها در اصل همزیستی خللی وارد نمیآورد. اصل همیشه اصل است همچنانکه حقیقت همیشه حقیقت است خواه کسی راستگو باشد یا نباشد.

در دنیای امروز جز همزیستی راهی نیست مگر راه کشتار و نابودی متقابل. من علناً و مؤکداً میگویم که در دنیای کنونی یا باید همزیستی را انتخاب کرد و یا نابودی متقابل را. راه میانه‌یی وجود ندارد. بدینقرار هرچند هم که بعضی ها موافق اصول همزیستی عمل نکنند اصل همزیستی پذیرفته شده است.

پرسش: جنابعالی در یکی از سخنرانیهای خود فرمودید که

توانسته اید از تاریخ گذشته درس بیاموزید . اکنون با توجه باین حرف ممکن است پرسش چرا جنابعالی به تاریخ ۵۰ سال اخیر و مخصوصاً آنچه مربوط به دوجنگ جهانی میباشد توجه نمیکنید ؟ آیا کمونیست ها تاچه اندازه باید درهند پیش بروند تا بدانید که روش کمونیست ها آنست که با سیاست حکومت جنابعالی مبارزه کنند ؟

پاسخ : من این سؤال را بدرستی نمی فهمم . زیرا بر اساس عدم درك كامل سیاست ما میباشد . ما جهان را بدو قسمت : کمونیست و ضد کمونیست تقسیم نمیکنیم . ما تصور میکنیم که این کار یکنوع ساده کردن بی معنی است که با واقعیات زندگی امروز جهان ارتباط ندارد و موجب ابهام در درك و فهم وضع جهان میشود . من کمونیست نیستم و کمونیسم را برای کشور خود نمیخواهم . امیدوارم که من یکنفر رئالیست باشم ، ولی اگر کسی مرا کمونیست بنامد خشمگین میشوم اگر کسی هم بگوید که ضد کمونیست هستم بهیچان نمیآیم . اصولاً من سعی میکنم هرگز دستخوش هیجانات نشوم .

سیاست دیگران هرچه میخواهد باشد من سیاست خود را دنبال میکنم و تصور میکنم این سیاست برای حفظ صلح جهانی عامل بسیار پراهمیتی است و به توسعه محیط مساعدی برای همکاری روز افزون كمك میدهد .

آیا ما در این سیاست خود موفق خواهیم شد یا نه موضوعیست که خدا میداند ؟! من نمیدانم . اما هر کس میکوشد وظیفه اش را

انجام دهد . چیزی که من میدانم اینست که حمله بردن بدیگران سیاست صحیحی نیست . باین جهت است که بملاقات آیزنهاور و خروشچف تبریک میگویم . خیلی بهتر است که همیشه بجای حمله بردن بیکدیگر بملاقاتهای دوستانه پرداخته شود .

مطلب دیگری که میخواهم بگفته خود بینمایم اینست که در زمانهای گذشته رقابتهای ملی وجود داشته است و هنوز هم وجود دارد . دولتتهائی هستند که توسعه طلب میباشند و میخواهند وضع خود را توسعه دهند . اگر بخواهیم این موضوع را بفهمیم بهتر آنست که لحظهئی کمونیست و ضد کمونیست و رقابت های ملی و توسعه طلبی بعضی دولت ها را هر چند اهمیت بسیار دارد فراموش کنیم . باین ترتیب از وضع جهان تصویری واقعی تر بدست خواهیم آورد تا اینکه بخواهیم اوضاع را با معیار کمونیسم و ضد کمونیسم بسنجیم . این نوع سنجش ، با معیارهای محدود ، موجب تیرگی فکر میشود و مانع تفکر صحیح میگردد .

پرسش : ممکن است لطفاً جناب عالی تفسیری دربارهٔ پیشنهاد

خروشچف در مورد خلع سلاح کامل بیان فرمائید ؟

پاسخ : برای من تفسیر این موضوع دشوار است . صرفنظر از آنکه هنوز این موضوع را دقیقاً مطالعه نکرده ام بنظر من این موضوع یک پیشنهاد ، و یک پیشنهاد عالی است که از هر لحاظ قابل ملاحظه میباشد . اما نمیدانم جامعه بشری یعنی ، کشورهای مختلفی که جامعه بشری را تشکیل میدهند ، آنقدر شهامت دارد که یکباره ارتشها و نیروهای دریائی و هوائی خود را از میان ببرد .

بهر صورت زمانی فرا خواهد رسید و باید فرا رسد که چنین پیشنهادی پذیرفته شود زیرا در این دوران سلاحهای اتمی و هیدروژنی و موشکهای دورپرواز، جنگ صورت بلائی عظیم و فاجعه ئی بزرگ را بخود گرفته است .

پرسش : جناب آقای نخست وزیر، ممکن است لطفاً بفرمائید مذاکرات جناب عالی با اعلیحضرت همایونی در مورد چه مسائل خاصی بود ؟

پاسخ : گمان میکنم شما انتظار نداشته باشید مذاکرات خصوصی و محرمانه ئی را که میان اعلیحضرت همایونی و من صورت گرفته است منتشر کنم . این امر نه برای من مناسب است و نه برای ایشان . فقط میتوانم بگویم که دربارهٔ بسیاری مطالب گفتگو کردیم .

پرسش : دوستی میان هند و پاکستان برای ما مردم ایران اهمیت دارد و قابل ملاحظه است . ممکن است پیرسم که نتایج مذاکرات اخیر شما با ژنرال ایوب خان چه بود ؟

پاسخ : دوستی میان هند و پاکستان برای خود ما هم بسیار مهم است و با وجود مسائل و موارد اختلافی که میان ما حل نشده باقی مانده همواره پراهمیت بوده است . اکنون میکوشیم این مسائل را حل کنیم . در مورد گفتگو با ژنرال ایوب خان صرفنظر از این واقعیت که من نمیتوانم این مذاکرات را در اینجا مورد بحث قرار دهم بطور کلی دربارهٔ هیچ موضوع خاصی مذاکره نکردیم بلکه بیشتر تمایل خود را برای حل مشکلاتی که وجود دارد بیان داشتیم

و هر دو کاملاً با هم موافق بودیم و در نتیجه این مذاکرات محیط بهتری
 میان دو کشور بوجود آمده است .

*

در این موقع جلسهٔ مصاحبهٔ پایان رسید و نخست وزیر نهر و گفت:
 « بسیار متأسفم که باید باین جلسهٔ پایان دهم زیرا باید بفرو دگاه
 بروم و هم اکنون نخست وزیر ایران در بیرون تالار در انتظار من
 هستند . از ملاقات آقایان بسیار متشکرم و نسبت به من لطف فراوان
 داشتید . »

اعلامية مشترك ايران و هند

بامداد روز ۳۰ شهریور ۱۳۳۸ آقای نهرو
و همراهان ایشان از فرودگاه مهر آباد بسوی
دهلی حرکت کردند و سفر رسمی ایشان در ایران
پایان رسید .

بعد از ظهر آنروز اعلامیه مشترکی از
طرف دولتهای ایران و هند در يك موقع در تهران
و دهلی نو انتشار یافت .

در دهلی نو این اعلامیه بزبان انگلیسی
منتشر گشت و در تهران ترجمه فارسی آن که از
طرف وزارت امور خارجه ایران تهیه شده بود
انتشار یافت .

متنی که در اینجا نقل میشود همان ترجمه
وزارت امور خارجه میباشد :

جناب شری جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند مدت چهار روز از هیجدهم تا بیست و دوم سپتامبر ۱۹۵۹ میهمان دولت شاهنشاهی ایران بودند .

در ظرف این مدت نقاط مختلفی که دارای اهمیت تاریخی و فرهنگی واجتماعی و اقتصادی بود مانند مؤسسه رازی ، سد کرج ، دانشکده کشاورزی کرج ، موزه ایران باستان ، شهر زیبای شیراز ، بیمارستان نمازی و تخت جمشید را بازدید کردند و از ترقیاتی که در امور اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی تحت راهنمایی قادرانه والهام انگیز اعلیحضرت همایون شاهنشاه بوجود آمده برای العین مستحضر گردیدند .

نخست وزیر هند مذاکرات صمیمانه و دوستانه‌یی با اعلیحضرت همایون شاهنشاه و همچنین با جناب آقای نخست وزیر در باره مسائلی که مورد علاقه دو کشور میباشد و مخصوصاً در باره تشریک مساعی در امور اقتصادی و فرهنگی بعمل آورده و بانهایت رضایت خاطر وجود روابط بسیار نزدیک و کهنسال نژادی و فرهنگی و مودتی را که بین دو کشور و دو ملت موجود است مورد توجه قرار دادند . همچنین با رضایت خاطر بتجدید و تحکیم آن روابط قدیمی از زمان حصول استقلال هند باینطرف عطف توجه نموده موافقت کردند که این روابط در آینده مستحکمتر گردد .

هر دو کشور هند و ایران نیازمند صلح و سلم هستند تا بنای اقتصادیات خود را مجدداً استوار ساخته برای مردم هر دو کشور سطح زندگیانی بهتر فراهم سازند .

سیاست هر دو کشور بر اساس احترام با اصول منشور ملل متحد وعدم تجاوز وعدم مداخله در امور داخلی هر کشور و ایجاد روابط حسنه همجواری میان تمام کشورهای جهان استوار است .

هر دو دولت با نهایت رضایت خاطر مساعی پیشوایان جهان و مخصوصاً راهنمایان کشورهای بزرگ را برای رفع تشنجات موجود در محیط بین المللی مورد توجه قرار دادند و امیدوارند که این مساعی ادامه یافته و با استقرار دوستی و حسن تفاهم و اشتراك مساعی بیشتر بین دولت ها و ملل مختلف منجر گردد .



نہرو وبانو ایندیرا گاندی هنگام عزیمت از فرودگاه مہرآباد

فهرست مطالب

صفحه	مطالب
۲	بیانات شاهنشاه ایران
۵	پیشگفتار سفیر کبیر هند
۷	سخنرانیهای جواهر لعل نهرو در ایران
۹	۱- برای هندیان مقیم تهران
۱۷	۲- در ضیافت کاخ گلستان
۱۹	خطابه نخست وزیر ایران
۲۳	پاسخ نهرو
۲۹	۳- در اجتماع ورزشگاه امجدیه
۳۹	۴- در ضیافت وزارت امور خارجه ایران
۴۱	خطابه معاون وزارت امور خارجه
۴۴	پاسخ نهرو
۴۷	۵- در دانشگاه تهران
۴۹	خطابه رئیس دانشگاه تهران
۵۳	گفتار نهرو
۸۷	۶- مصاحبه در تلویزیون ایران
۹۳	۷- در اجتماع انجمن ایران و هند
۹۵	خطابه دکتر متین دفتری
۹۹	گفتار نهرو
۱۱۱	۸- مصاحبه مطبوعاتی در کاخ صاحبقرانیه
۱۱۹	۹- اعلامیه مشترك ایران و هند